



عصر

روزنامه تجاری اقتصادی
دوشنبه
۱۴۰۳ | ۱۹ رجب ۱۴۴۶ | 20 January 2025
۸ صفحه | پنج هزار تومان | سال سوم | شماره پانصد و دوازده
www.asrghanoon.ir

اسرائیل در بن بست آتش بوس

سردار قاتی: آتش بس غزه، رونمایی از بزرگترین شکست رژیم صهیونیستی است

رسانه‌های عبری زبان اعلام کرده‌اند ایتمار بن کوهر وزیر امنیت داخلی رژیم صهیونیستی و وزیرای حزب وی در اعتراض به امضای توافق آتش بس و مبادله اسرا در غزه استعفا دادند. البته استعفا این یهودی افراطی تروریست باعث سقوط دولت نتانیاهو نخواهد شد. رادپور رژیم صهیونیستی نیز اذعان کرده بلافاصله پس از آتش بس، نیروهای حماس با سریندهای سبز و پلیس غزه با لباس فرم در خیابان‌ها حاضر شدند. حماس در طول مدت جنگ حتی یک لحظه کنترل غزه را از دست نداد و این نشان می‌دهد هیچ جایگزینی برای آن‌ها در این باریکه وجود ندارد. عمیجای اتالی خبرنگار و تحلیلگر صهیونیست گفت: متأسفانه پس از جنگی که ۱۵ ماه به طول انجامید و هزینه‌های باورنکردنی پرداختیم، ما پیروز میدان نیستیم. هر مادر عبری باید بداند که سرنوشت فرزندانش به دست سیاستمدارانی سپرده شده که قادر به تحقق پیروزی نیستند.

شکستی بزرگ برای رژیم صهیونیستی



مردم غزه نه تنها علیه حماس قرار نگرفته‌اند، بلکه بسیاری از آن‌ها از حماس حمایت کرده و قدردان آن هستند. جالب است که حتی در کرانه باختری که حماس حضور ندارد، محبوبیت این گروه رو به افزایش است.

ایستگاه جدید ترور



ارتقا و بلوغ ترور ترکیبی و عملیات تخریبی دشمن یک سوی ماجراست. سوی دیگر قدرت مردم است. این قدرت ایران و انقلاب است که رشد و توسعه یافته است.

ترامپ عاقل و نظام اندیشگاهی!



از پیش از انتخابات آمریکا که ایرانیان آن را پیگیری می‌کنند، این پرسش بانگرانی مطرح بود که موضع و مواجبه‌ی ایران در ظرف ریاست جمهوری ترامپ چه باید باشد و بتعبیر عامیانه و ساده، «اگر ترامپ رئیس جمهور آمریکا شد، چه باید کرد؟!»

ترامپ در آستانه یک دوراهی



اگر ترامپ بخواهد رئیس‌جمهور موفق و محبوبی باشد، بهتر است به وعده‌های انتخاباتی‌اش عمل نکند و از مزایای بهبود اقتصادی و زیرساخت‌های آمریکا که در دوره بایدن رخ داده بود، ولی خودش میوه‌اش را ندیده بود، بهره‌مند شود.

گسترش روابط ایران و روسیه



هم ایران و هم روسیه و هم چین اشتراکات زیاد، فرصت‌های زیاد و مهم‌تر از همه تهدیدات مشترک متعددی دارند که تنها از مسیر همکاری و همراهی می‌توان آن را حل و فصل کرد.

آنچه اسد نمی‌داند



من نام ایران را در فیلم نیاوردم تا مخاطب درگیر هیچ نامی نشود و تصور نکند که مستندی برای پروپاگاندا می‌بیند و همه توجیهش معطوف مسئله انسانی فیلم باشد تا من بتوانم روی آن فرد تأثیر بگذارم.



پیشخوان
Pishkhan.com

شکستی بزرگ برای رژیم صهیونیستی

علی خسروشیری

برنامه «گفتگوی سیاسی» رادیو گفت‌وگو با موضوع آتش بس و شکست ترکیبی صهیونیست‌ها در غزه؛ از میدان تا دیپلماسی و با حضور دکتر علی خسروشیری استاد دانشگاه و کارشناس مسائل غرب آسیا به روی آنتن رفت.

علی خسروشیری آتش بس غزه را حاصل ایستادگی جبهه مقاومت و به ویژه مقاومت فلسطین از جمله حماس دانست و عنوان کرد: تاریخ نشان داده است رژیم صهیونیستی تنها زمانی از تجاوزات خود کوتاه می‌آید که فشار بر آن افزایش یابد. در این راستا، جبهه مقاومت شامل ایران، انصارالله یمن، حزب‌الله لبنان، مقاومت عراق و حماس تلاش کرده‌اند تا هزینه‌های رژیم صهیونیستی را بالا ببرند.

وی به دوروش اصلی هزینه‌های رژیم صهیونیستی توسط انصارالله یمن اشاره و بیان کرد: یکی از مهمترین هزینه‌های که محور مقاومت به صهیونیست‌ها وارد کرد هزینه اقتصادی بود. یعنی با ناامن کردن دریای سرخ و حمله به کشتی‌هایی که به رژیم صهیونیستی مرتبط بودند، و همچنین حملات موشکی به بندر ایلات که به تعطیلی آن انجامید این مهم را انجام دادند.

این استاد دانشگاه از هزینه‌های اجتماعی که حملات یمن بر رژیم صهیونیستی وارد کرده است گفت و اظهار کرد: حملات موشکی انصارالله یمن باعث ایجاد ناامنی روانی در بین ساکنین و حاکمان رژیم صهیونیستی شد.

وی به آتش‌بس اخیر در غزه اشاره و تصریح کرد: این آتش بس نتیجه مقاومت و ایستادگی جبهه مقاومت است. مفاد آتش‌بس، شامل تخلیه کامل غزه توسط صهیونیست‌ها و بازگرداندن اسرای غزه است که این موضوع حتی مورد توجه تحلیلگران غربی هم قرار گرفته است زیرا شکستی بزرگ برای رژیم صهیونیستی محسوب می‌شود.

خسروشیری در مصاحبه با رادیو گفت‌وگو همچنین از فشارهای داخلی رژیم صهیونیستی و تأثیرات سیاسی بین المللی برای فشار بر نتانیاهو گفت و بیان کرد: این عوامل باعث پذیرش آتش‌بس از سوی نتانیاهو شده است و در واقع پذیرش این آتش بس توسط رژیم صهیونیستی از روی ناچاری بوده است و به همین دلیل آن را یک شکست بزرگ برای رژیم صهیونیستی می‌دانند.

وی از رویکرد اصلی در مواجهه با رژیم صهیونیستی در داخل فلسطین گفت و عنوان کرد: رویکرد سازش و



آتش بس غزه بزرگترین شکست اسرائیل است

سردار اسماعیل قاتنی فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در مراسم تقدیر از فعالان کادر درمان مجروحان لبنانی در حادثه انفجار پیجرها طی سخنانی اظهار داشت: این کار بزرگی که شما انجام دادید از جنبه‌های مختلف قابل پرداختن است و شما در حوزه تخصصی خودتان حرف‌های بسیاری در این زمینه دارید.

وی افزود: محبت و انسانیت در وجود شما کادر درمان موج می‌زند، به‌صورتی که اگر دشمن هم به شما مراجعه کند با انسانیت و محبت با او برخورد می‌کنید.

سردار قاتنی تصریح کرد: شما به یک‌باره با کار بسیار بزرگی مواجه شدید که قبلاً برای آن آماده نبودید. اما نگاه ارزشی ما به این کار بسیار ارزشمند است. برخی عزیزان ما شبانه‌روز فعالیت کردند و این ناشی از «مقاومتی عمل کردن» شما در اتاق عمل بود که در تک‌تک کادر درمان ما موج می‌زند. وی ابراز کرد: این اقدام شما در واقع یک آزمایش حقیقی بود و شما اثبات کردید که قابلیت دارید اگر بحرانی برای کشور و یا مسلمانان در جاهای مختلف ایجاد شود مرد این میدان هستید.

فرمانده نیروی قدس سپاه گفت: معنویت و اخلاق و همدلی که در عمل شما وجود داشت در هیچ کجای دنیا وجود ندارد و همه دنیا حسرت چنین فضایی را می‌خورند. جمهوری اسلامی مستحکم از مقاومت پشتیبانی می‌کند و امروز و این مراسم در تاریخ ثبت خواهد شد.

سردار قاتنی با اشاره به آتش‌بس غزه ادامه داد: امروز ساعت ۱۳ بزرگترین شکست رژیم صهیونیستی رونمایی می‌شود. جلالان خونخوار کودک‌کش بی‌شرافت رژیم صهیونیستی بعد از ۱۵ ماه جنایت بی‌حدوحصر که بر مردم فلسطین و لبنان اعمال کردند امروز در اوج ذلت مجبور شدند آتش‌بس را بپذیرند.

فرمانده نیروی قدس سپاه تأکید کرد: این آتش‌بس به رژیم تحمیل شد و این مذاکراتی که در چند ماه اخیر انجام شد نتایج همان مذاکرات قبلی است که اسرائیل قبلاً آن را نپذیرفته بود و همه بندهایی که برادران فلسطینی در خواست کرده بودند در آتش‌بس جدید هم اعمال شده است.



ایستگاه جدید ترور

محسن مهدیان

واقعیت اینست که ترور علیه جمهوری اسلامی در دوران بلوغش بسر می‌برد. ترور حجج الاسلام مقیسه و رازینی با ترور دهه ۶۰ عمیقاً متفاوت است. چند دوره ترور را باهم مرور کنیم:

۱. ترور کور:

ترورهای ابتدای دهه شصت، ترور کور بود. بی‌حساب آدم می‌کشتند؛ با هدف ناامن‌سازی و ایجاد رعب و دلهره. اما بعد از مدتی متوجه شدند حرکت انقلاب متوقف نمی‌شود.

۲. ترور هدفمند:

مدتی گذشت تا به ترور هدفمند رسیدند و مسوولین و رجال سیاسی را هدف گرفتند؛ به خیال شان اداره کشور مختل می‌شود. ترور نخست وزیر و نماینده‌ها و رئیس مجلس و رئیس جمهور و غیره از ایندست بود. خون‌ها ریختند آنهم چه خون‌های پاک، اما باز هم متوجه شدند حرکت انقلاب متوقف به بزرگانش نیست.

۳. ترور هوشمند:

در سالهای گذشته به ترور نخبگان رسیدند. از دانشمندان هسته‌ای تا علمی و فرماندهان نظامی و غیره. به خیال شان قدرت نهایی این انقلاب صرفاً در اختیار نخبگان علمی است. اینها هستند که موتور محرکه ایران قوی هستند. جنایت‌ها کردند، اما در نهایت از حرکت پرشتاب کشور حیرت زده واماندند.

۴. ترور بلوغ یافته:

دشمن در نقطه بلوغ خود به ترور مومنین و مجاهدین رسید. ترور زائران مزار حاج قاسم و ترور در حرم امام و حرم رضوی و شاهچراغ و ترور جوانان بسیجی و ... دشمن متوجه شد قدرت اصلی این انقلاب فراتر از مسوولین و حتی نخبگان است و اصل این قدرت در اختیار جریان مجاهد و مومن است. هسته سخت نظام مومنین اند. کشتند و خون ریختند و اما طرفی نیستند.

۵. ترور نهایی:

دست آخر به این نتیجه رسیدند که مومنین و مجاهدین پیشرو هستند اما قدرت این انقلاب در دل آحاد این مردم است. این مردم با همه تفاوت‌های شان اصل و اساس و ریشه قدرت در این کشور هستند. از اینرو طی سالهای گذشته هدف اصلی را متن مردم قرار دادند. علت اینکه از براندازی سیاسی عبور کردند و به تجزیه طلبی رسیدند نیز به همین دلیل است. اغتشاش ۱۴۰۱ را از این جهت مرور کنید.

اما چطور ممکن است مردم را ترور کرد؟ هیچک از ترورهای گذشته را کنار نگذاشتند؛ اما در هر دوره به میزان رشد مردم و کشور، شیوه ترور را ارتقا دادند و حالا ترور مردم را در دل ترورهای ترکیبی دنبال می‌کنند. ترکیب ترور نرم و سخت. تکلیف ترور سخت روشن است اما برای حذف مردم باید ترور نرم را نیز در پیش می‌گرفتند که ترور ادراکی مردم است. اینجاست که یکی از روش‌های ترور نرم و ادراکی، ترور نمادین است.

۶. ترور نمادین:

ترورهای نمادین در ادامه ترور توده‌ها و متن مردم است. ممکن است سراغ مقیسه‌ها و رازینی‌ها روند اما هدف نهایی و فراترشان اثر ذهنی و ادراکی بر مردم است. دشمنی که در میدان دستش خالی است حالا نیاز دارد تا در آذهان مردم قدرت نمایی کند. اینجاست که سراغ بزرگانی می‌روند که حذف آنها اثر مضاعف و نمادین داشته باشند.

رازینی و مقیسه نماد شجاعت و تقابل تمام عیار با جریان نفوذ و ضدانقلاب و جریان ضدامنیتی در طی چهل سال گذشته بودند. حذف آنها پیام روشن به کسانی است که از این مجاهدین قضائی زخم خوردند و یا در سایه هراس منفعل نشستند؛ حال آنکه دشمن بی‌اندازه به جولان این جاهلان نیازمند است. همین چند ساعت گذشته و پس از عملیات ترور را در رسانه‌های خارجی بررسی کنید و ببینید چطور پازل ترور را تکمیل می‌کنند تا مردم را نسبت به خادمان و محافظان امنیت بدبین کنند.

اما کلام آخر؛ ارتقا و بلوغ ترور ترکیبی و عملیات تخریبی دشمن یک سوی ماجراست. سوی دیگر قدرت مردم است. این قدرت ایران و انقلاب است که رشد و توسعه یافته است. فراموش نکنیم که پیچیده شدن رفتار دشمن به جهت عمیق تر شدن قدرت ایران و انقلاب است و اگر نه دلیلی نداشت ترور کور دهه ۶۰ به ترورهای مردمی و نمادین ارتقا یابد.



رویکرد مقاومت دو نگاهی هستند که در جریان‌های داخل فلسطین وجود دارد. رویکرد سازش تلاش دارد تا از طریق پذیرش رژیم صهیونیستی، به حل مسئله فلسطین بپردازد، در حالی که رویکرد مقاومت که به ویژه توسط حماس و جهاد اسلامی نمایندگی می‌شود خواهان ایستادگی در برابر صهیونیست‌ها است. آمار نشان می‌دهد که حماس با ادامه این رویکرد، محبوبیت خود را در نوار غزه و کرانه باختری افزایش داده است.

این کارشناس مسائل غرب آسیا با بیان اینکه یکی از اهداف اعلام نشده رژیم صهیونیستی در جنگ ۱۵ ماهه اخیر، ایجاد نارضایتی در میان مردم غزه نسبت به حماس بوده است، اظهار کرد: با این حال، نتایج نشان می‌دهد که مردم غزه نه تنها علیه حماس قرار نگرفته‌اند، بلکه بسیاری از آن‌ها از حماس حمایت کرده و قدردان آن هستند. جالب است که حتی در کرانه باختری که حماس حضور ندارد، محبوبیت این گروه رو به افزایش است.

خسروشیری از ارزش‌های ایستادگی و مقاومت در تاریخ بشریت و آموزه‌های اسلامی گفت و تأکید کرد: ملت‌ها تنها از طریق مقاومت در برابر ظلم می‌توانند به موفقیت برسند.

حماس به عنوان نماد مقاومت در برابر رژیم صهیونیستی معرفی شده و محبوبیت آن به دلیل ایستادگی در برابر ظلم و جنایت است. همچنین، تأثیر تاریخی عاشورا و شخصیت امام حسین (ع) در گرامی‌داشت ارزش‌های مقاومت غیر قابل انکار است.

وی افزود: رویکرد مقاومت حماس باعث افزایش محبوبیت آن در میان مردم فلسطین و حتی در جهان اسلام شده است و این محبوبیت به دلیل ایستادگی در برابر ظلم و جنایت است.

توقف ظلم یا توقف چرخه خشونت، کدام درست است؟

سیدآرش وکیلان

۱- بعد از ترورهای اخیر قضات دیوان عالی کشور، شعاری مطرح شده است که بر توقف چرخه خشونت تأکید دارد. این در پدو امر یادآور آیین نیکوی «خون بس» در برخی اقوام و مردمان ایران زمین است که برای جلوگیری از چرخه انتقام استفاده می‌شده است، اما کاربرد آن در مقام سیاست و حکومت محل تأمل است.

۲- چرا به جای توقف ظلم از توقف چرخه خشونت استفاده می‌شود، مگر هر نوع خشونتی نامطلوب و ظالمانه است؟ منظور از ظلم در اینجا ممانعت از استغفای حقوق اساسی و طبیعی مردم است.

۳- احتمالاً منظور از این شعار توقف چرخه خشونت، هر نوع خشونت نباشد؛ مثلاً میشود فرض کرد که منظور عدم کاربرد زور در برابر مخالفان سیاسی نظام باشد نه افراد مخل نظم اجتماعی مثلاً توزیع کنندگان مواد مخدر. اگر مقصود عدم کاربرد هر نوع خشونت باشد، دیر یا زود کنترل نظم اجتماعی دست مجرمان خواهد افتاد.

۴- در مورد مخالفان سیاسی نظام مثل کسانی که در شبکه اجتماعی مشغول مخالفت آشکار هستند، نظام سیاسی خشونت را به کار نمی‌برد مگر آنکه آنها مرتکب یک عنوان مجرمانه به خصوص نظیر اشاعه کذب، توهین و افترا شده باشند. ضمناً حکومت به ویژه در سال‌های اخیر نظیر بهمن ۱۴۰۱ کوشیده تا

مخالفان سیاسی را عفو کند یا با آنها به مثابه مجرمان شدید اجتماعی برخورد نکند.

۵- در خصوص استیفای حقوق شهروندی باید توجه داشت که همزمان حکومت اجازه انجام برخی کارها نظیر تجمع خیابانی را نمی‌دهد. مکرر گفته ام اجرای اصل ۲۷ جهت آزادی برگزاری تجمع قانونی، امکان تفکیک معرض از اغتشاشگر را فراهم می‌کند و ضرورت دارد.

۶- برفرض حکومت به مخالفان اجازه دهد که به شیوه قانونمند اقدام کنند. در برابر کسانی که به قصد براندازی یا تضعیف نظام از زور استفاده می‌کنند یا دست به دروغ‌گویی و افترا می‌زنند، حکومت چه باید بکند؟ آیا در برابر خشونت عملی یا کلامی این افراد باید خشونت متقابل را متوقف کند؟ اینجاست که شعار «توقف چرخه خشونت» به یک ابهام می‌رسد.

۷- متقابلاً برای مخالفان نظام هم این فرض مطرح است که اگر جایی حکومت ظلمی در سلب حقوق آنها بکند تا چه حد مخالفت بدون کاربرد زور قابل استفاده است؟ یعنی آیا باید به شیوه گانندی حداقل کاربرد زور و خشونت را علیه یک نظامی که آن را ظالمانه می‌دانند، به کار ببرند؟ باز هم اینجا این شعار توقف چرخه خشونت به ابهام می‌رسد.



۸- به نظر می‌رسد آن چیزی که اصل است استیفای حقوق، رواداری با مخالفان که رفتار مجرمانه ندارند و مقابله با ظلم از جمله ظلم به کشور و حکومت باشد و طبعاً اگر جایی برای آن نیاز به خشونت هم باشد، استفاده ضابطه مند از آن می‌تواند موجه باشد.

۹- با توجه به اینکه ما در شرایط دهه ۶۰ نیستیم و گروه مسلح برانداز مهمی جز عده‌ای تجزیه طلب هم وجود ندارد، فکر میکنم در حال حاضر آن کسی که ذی نفع اصلی این شعار در جامعه ما باشد، اسرائیل است. یعنی اسرائیل از سو ناامنی و خشونت را علیه کشور، نظام و مردم دامن می‌زند و از طرف مقابل می‌خواهد تفکر مقابله را در آذهان مسئولان و مردم تضعیف کند.

دین شناسی علمی؛ پلی میان فلسفه، کلام و علوم انسانی

قاسم اخوان



ترامپ عاقل و نظام اندیشگاهی!

سجاد هجری

در ایران گویا بیش و کم همانند جاهای دیگر جهان چنین باب شده که بسادگی و پربسامد واژه‌های «کله شق»، «احمق» و غیره را برای دولت‌مردان کشورهای دشمن بهره می‌برند و شاید در این سال‌ها بیش از همه برای «دونالد ترامپ» و «بنجامین نتانیاهو» بکار رفته است. «جان جی. میرشایمر» که بخاطر نگره‌ی «رالیسم تهاجمی» و آثارش درباره‌ی «لابی صهیونیسم» در آمریکا شناخته می‌شود، کتابی با نام «دولت‌ها چگونه فکر می‌کنند» دارد که عنوان فرعی‌اش «عقلانیت در سیاست خارجی» است. او در این کتاب بدان‌ها که سیاست‌ها و تصمیمات ناپسند دیگران را ناعقلانی می‌نامند، پاسخ می‌گوید که میان عقلانیت و موفقیت و عقلانیت و اخلاق ملازمه‌ای نیست. «عقلانیت استراتژیک/ راه‌بردی» آمیزه‌ی محوری کتاب پرمایه‌ی خواندنی اوست که بتازگی جامعه‌ی فارسی پوشیده است.

شاید نام America First Policy Institute (AFPI) را شنیده باشید اندیشکده‌ای نو که بسال ۲۰۲۱ بنیاد نهاده شده و خود را غیرانتفاعی و حنا غیرحزبی با رسالت (Our Mission) «پیش‌برد سیاست‌هایی که مردم آمریکا را اولویت می‌دهد» که گویا شعار ترامپ است، می‌شناساند؛ چنان‌که گفته‌اند: «برای ترویج برنامه‌ی سیاست عمومی ترامپ بنیاد گذاشته شده است!» اتکا بنظام اندیشه‌ورزی بالمعنی‌الأخص در آمریکا که مهد و موطن اندیشکده‌هاست و تبارش از پدیدار Brains Trust (روزولت) در نیمه‌ی نخست سده‌ی بیستم گذشته و بنهاد Kitchen Cabinet (جکسن) در یک‌سده پیش‌تر از آن می‌رسد، چیزی نامنتظره نیست؛ ولی آنان که ترامپ را که دوباره رئیس جمهوری آمریکا شده و نیامده، سروصدا کرده و گروخاک بپا کرده، بی‌کله می‌پندارند، شاید تعجب کنند که او حتا در «تأمین مالی» این اندیشکده کوشیده است.

گفتنی‌ست The Heritage Foundation اندیشکده‌ی نام‌ور محافظه‌کار آمریکایی‌ست که با پروژه‌ی ۲۰۲۵ Presidential Transition (Project) آغاز شده بسال ۲۰۲۲ در پی «پیروز ساختن محافظه‌کاران/ جمهوری‌خواهان با سیاست، کارکنان/ personnel و آموزش» است. آنان پیروزی در انتخابات را کافی نمی‌دانند و برای راهی‌ای از «چپ» (رادیکال) بر محور Mandate For Leadership سیاست می‌گذارند و برنامه می‌ریزند. این بنیاد مدعی‌ست که ترامپ در سیاست‌هایش بدان‌ها متکی بوده؛ چنان‌که در طول یک سال از ریاست جمهوری‌اش، دوسوم پیش‌نهادهای این نهاد را پذیرفته که برای آن‌ها که ترامپ را احق می‌پندارند، تأمل‌پذیر و شاید باورنکردنی‌است؛ چراکه دولت‌مردی که بنظام اندیشگاهی اعتنا دارد و از آن حمایت می‌کند و سیاست‌هایش را می‌پذیرد، نمی‌تواند «احمق» باشد؛ بلکه «حماقت» آن‌جاست که در یک کشور نظام اندیشه‌ورزی بالمعنی‌الأخص ضعیف و در حاشیه باشد.

از پیش از انتخابات آمریکا که ایرانیان آن را پیگیری می‌کنند، این پرسش با نگرانی مطرح بود که موضع و مواجهه‌ی ایران در ظرف ریاست جمهوری ترامپ چه باید باشد و بتعبیر عامیانه و ساده، «اگر ترامپ رئیس جمهور آمریکا شد، چه باید کرد؟» و اکنون این پرسش جدی‌تر مطرح است. با توجه بدان‌چه تا کنون یاد شد، پاسخ بدین پرسش در گرو آن است که مردمان و دولت‌تبار ایران ترامپ را بخاطر اتکایش بنظام اندیشه‌ورزی کله‌شق میندارند و عاقل شمارند؛ بلکه سیاست‌ها و تصمیم‌هایش را در اندیشکده‌ها ردیابی و دنبال کنند و از آن مهم‌تر، با حمایت مادی و معنوی از این زیست‌بوم در کشور امکان «حکمرانی» عقلانی در دو حوزه‌ی بهم‌گرفته‌ی سیاست داخلی و خارجی را با «اعتماد» بدین نظام بلکه مطالبه از آن فراهم سازند.



■ **دیپدگاه ابزارانگاری از دین نیز در کتاب شما مورد نقد قرار گرفته است. آیا می‌توانید توضیح دهید که چرا این دیدگاه را ناکافی می‌دانید؟**
 دیدگاه ابزارانگاری از دین، دین را صرفاً به عنوان ابزاری برای دستیابی به اهداف خاصی مانند آرامش روانی یا انسجام اجتماعی می‌داند. این دیدگاه ناکافی است زیرا دین دارای ابعاد شناختی و معرفتی نیز هست که در این رویکرد نادیده گرفته می‌شود.
 ■ **رویکرد فضیلت‌گرایی که در کتاب شما مطرح شده است، چگونه می‌تواند به تبیین کارکرد دین کمک کند؟**
 رویکرد فضیلت‌گرایی با تأکید بر ارزش‌های اخلاقی و معنوی، می‌تواند به تبیین کارکرد دین کمک کند. این رویکرد نشان می‌دهد که دین نه تنها به عنوان ابزاری برای دستیابی به اهداف مادی، بلکه به عنوان منبعی برای رشد اخلاقی و معنوی انسان‌ها عمل می‌کند.

■ **شما در این کتاب از روش‌های تحلیلی و انتقادی استفاده کرده‌اید. چرا این روش را انتخاب کردید و چگونه به کمک آن به بررسی کارکرد دین پرداخته‌اید؟**
 روش تحلیلی و انتقادی به دلیل توانایی آن در بررسی عمیق و دقیق نظریه‌ها و دیدگاه‌ها انتخاب شد. این روش به من کمک کرد تا نقدهای وارد بر دیدگاه‌های مختلف را بررسی کنم و استدلال‌های خود را با استحکام بیشتری ارائه دهم.
 ■ **به نظر شما، استفاده از منابع گسترده‌ای مانند فلسفه علم، فلسفه دین، علوم‌شناختی و روان‌شناسی اخلاق در این کتاب چه تأثیری بر استحکام استدلال‌های شما داشته است؟**
 پاسخ: استفاده از منابع گسترده و میان‌رشته‌ای مانند فلسفه علم، فلسفه دین، علوم‌شناختی و روان‌شناسی اخلاق، به استحکام استدلال‌های کتاب کمک کرده است. این منابع امکان بررسی جامع‌تر و عمیق‌تر موضوع را فراهم کرده‌اند.

■ **آیا می‌توانید درباره نوآوری‌های کتاب، مانند تبیین کارکرد دین بر اساس رویکرد فضیلت‌گرایی و استفاده از دستاوردهای علوم‌شناختی، توضیح دهید؟**
 یکی از نوآوری‌های کتاب، طبقه‌بندی دیدگاه‌ها درباره کارکرد دین در چارچوب اثبات‌گرایی، افول دین، ابزارانگاری و فضیلت‌گرایی است. همچنین، استفاده از دستاوردهای علوم‌شناختی به تبیین بهتر کارکرد دین کمک کرده است.
 ■ **یکی از چالش‌های اصلی در بحث دین‌شناسی علمی، تنوع دیدگاه‌ها و شبهات است. چگونه توانستید این تنوع را در کتاب مدیریت کنید؟**
 با توجه به مطالعاتی که در این زمینه انجام شد، تمام نظریه‌های مثبت و منفی درباره کارکرد دین را در چارچوب اثبات‌گرایی، افول دین، ابزارانگاری و فضیلت‌گرایی طبقه‌بندی کردم. این طبقه‌بندی به مدیریت تنوع دیدگاه‌ها و شبهات کمک کرد.

■ **آیا می‌توانید درباره نتایج باور به کارکرد دین در حوزه‌های فردی و اجتماعی توضیح دهید؟**
 باور به کارکرد دین می‌تواند به رشد اخلاقی و معنوی افراد کمک کند و در سطح اجتماعی، به ایجاد انسجام و همبستگی بین افراد جامعه منجر شود. دین همچنین می‌تواند به کنترل اجتماعی و توسعه اخلاقی جوامع کمک کند.
 ■ **در فصل چهارم کتاب، به نقش دین در سعادت و رستگاری انسان پرداخته‌اید. چگونه این نتایج می‌تواند به سیاست‌گذاران و دست‌اندرکاران علوم انسانی کمک کند؟**
 نتایج این فصل می‌تواند به سیاست‌گذاران و دست‌اندرکاران علوم انسانی کمک کند تا با درک بهتر نقش دین در سعادت و رستگاری انسان، سیاست‌ها و برنامه‌هایی را طراحی کنند که به رشد اخلاقی و معنوی افراد و جوامع کمک کند.

جریان‌های فکری سوریه؛ از اخوان المسلمین تا القاعده

مهدی فرمانیان



گروه‌های سلفی را هم با هم جمع نکنیم، بیش از ۱۵ تا ۲۰ درصد از جمعیت سوریه نخواهند بود و اینها بر سوریه مسلط شده‌اند. تحریر الشام قبلاً تفکر القاعده‌ای داشت و القاعده جز جریان‌های سلفی جهادی است که معتقد است حاکم سکولار طاغوت است و باید با آن جنگید، چون باعث ترویج فرهنگ غرب می‌شوند، اما از نوع صحبت‌هایی که جولانی می‌کنند معلوم می‌شود که تغییر عقیده دادماند و دم از انتخابات و دموکراسی می‌زنند و به اصل خودشون که تفکر اخوانی است، برگشته‌اند.

تا القاعده داخل سوریه فعالیت کند و بعد از آن بسیاری از افراد القاعده از جاهای مختلف وارد سوریه شدند که یکی از آنها همین «ابومحمد الجولانی» بود که از عراق وارد سوریه شد و شاخه جبهه النصره را تأسیس کرد و بعد تحریرالشام شد. اکنون با همین عنوان در رأس کار هستند و ظاهراً دیگر تفکرات القاعده‌ای ندارند.

طیلف بعدی هم داعش است که از سال‌های ۲۰۱۱ تا اکنون در سوریه حضور دارند. هرچند آمار دقیق از تعداد داعشی‌های سوریه وجود ندارد، اما آنچه تخمین زده می‌شود، فقط در دو زندان و اردوگاه «حسکه» که در بخش کردنشین سوریه وجود دارد، با احتساب زنان و کودکانشان ۱۰۰ هزار نفر هستند که فقط ۷۰ هزار نفرشان زنان و کودکانشان هستند. طیلف دیگر اسماعیلیان هستند در مصیاف و مناطق اطرافش تعداد ۵۰ تا ۱۰۰ هزار نفر تخمین زده می‌شود. دروزیان هم که در نزدیکی‌های منطقه جولان هستند که گفته می‌شود ۳ درصد جمعیت سوریه را تشکیل می‌دهند. ۱۲ درصد هم تعداد مسیحیان سوریه است. بنابراین حدود ۲۵ درصد جمعیت سوریه را شیعیان و مسیحیان به خود اختصاص داده‌اند. اتفاقی که افتاده، این است که امروزه جریان تحریرالشام که از نظر تعداد افراد و پیرو بسیار کم جمعیت هستند؛ چون همه

در آستانه انتشار کتاب با عنوان «دین‌شناسی علمی و کارکرد دین» از آثار جدید گروه کلام اسلامی و الهیات جدید پژوهشگاه با دکتر قاسم اخوان‌نوی، پژوهشگر و نویسنده این اثر، به گفت‌وگو پرداختیم. این کتاب که به زودی توسط سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی منتشر خواهد شد، به بررسی دین‌شناسی علمی به عنوان یک حوزه میان‌رشته‌ای می‌پردازد که با تکیه بر مبانی علمی، دین را از منظر تاریخی، اجتماعی، روانی و فرهنگی مطالعه می‌کند. این اثر در گروه کلام اسلامی و الهیات جدید پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی تهیه شده و هدف آن تبیین کارکرد دین در دنیای معاصر و نقد دیدگاه‌هایی است که به افول دین یا ابزارانگاری از دین معتقدند. دکتر اخوان‌نوی در این کتاب، با رویکردی تحلیلی و انتقادی، به بررسی نقش دین در زندگی انسان‌ها و تبیین کارکردهای آن بر اساس رویکرد فضیلت‌گرایی پرداخته است.

■ **آقای دکتر، انگیزه شما از نوشتن این کتاب چه بود؟ چرا موضوع دین‌شناسی علمی و کارکرد دین را انتخاب کردید؟**
 انگیزه اصلی من از تألیف این کتاب، ارائه یک اثر علمی در رابطه با دین‌پژوهی به عنوان دین‌شناسی علمی بود. در این کتاب، سعی کردم مهم‌ترین رویکردها و نظریه‌های مربوط به کارکرد دین را بررسی کنم و نقدهای وارد بر این دیدگاه‌ها را بیان نمایم. موضوع دین‌شناسی علمی و کارکرد دین به دلیل اهمیت آن در دنیای معاصر و نقش دین در زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها انتخاب شد.
 ■ **به نظر شما، چرا امروزه بررسی کارکرد دین در دنیای معاصر اهمیت دارد؟**

بررسی کارکرد دین در دنیای معاصر اهمیت دارد زیرا دین به عنوان یک پدیده چندبعدی، تأثیرات عمیقی بر زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها دارد. در دنیای امروز که با چالش‌های متعدد فرهنگی، اجتماعی و اخلاقی مواجه است، فهم نقش دین و کارکردهای آن می‌تواند به حل این چالش‌ها کمک کند.

■ **این کتاب در گروه کلام اسلامی و الهیات جدید پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی تهیه شده است. آیا می‌توانید توضیح دهید که چرا این گروه به چنین موضوعی پرداخته است؟ مخاطبان اصلی این کتاب چه کسانی هستند؟**

این تحقیق در گروه کلام و الهیات معاصر انجام گرفته است، زیرا دین‌شناسی علمی یکی از حوزه‌های تخصصی این گروه است. مخاطبان اصلی این کتاب، دانشجویان، پژوهشگران و علاقه‌مندان به حوزه‌های فلسفه، کلام، علوم انسانی و دین‌شناسی هستند.

■ **در کتاب شما، دین‌شناسی علمی به عنوان یک حوزه میان‌رشته‌ای معرفی شده است. آیا می‌توانید به طور خلاصه تعریف و ویژگی‌های این حوزه را توضیح دهید؟**

دین‌شناسی علمی، شاخه‌ای از علوم انسانی است که با استفاده از روش‌های تحقیق علمی، به مطالعه دین می‌پردازد. این رویکرد، از پیش‌داوری‌های مذهبی و غیرمذهبی دوری می‌کند و تلاش می‌کند تا با تکیه بر داده‌ها و تحلیل‌های منطقی، فهمی عمیق‌تر از پدیده دین ارائه دهد. ویژگی‌های اصلی دین‌شناسی علمی عبارتند از: عینیت و بی‌طرفی، روش‌مندی، جامعیت و مقایسه‌ای بودن.

■ **شما در کتاب به نقد دیدگاه‌هایی پرداخته‌اید که معتقد به افول دین هستند. مهم‌ترین نقدهای شما به این دیدگاه‌ها چیست؟**
 مهم‌ترین نقد به دیدگاه‌های افول دین این است که این دیدگاه‌ها غالباً تحویل‌گرا هستند و دین را به اخلاق یا تجربه دینی تقلیل می‌دهند. این رویکردها برای دین جنبه شناختی و معرفتی قائل نیستند و نگاهی ناواقع‌گرایانه به دین دارند. از نظر معرفتی نیز این دیدگاه‌ها دچار مغالطه‌هایی مانند اخذ مبالغه‌آمیز به جای ماب‌الذات هستند.



حجت الاسلام دکتر مهدی فرمانیان عضو هیأت علمی دانشگاه ادیان و مذاهب در نشست «جریان‌شناسی بازیگران فکری و سیاسی سوریه» به ارائه سخنرانی پرداخت که در ادامه متن آن می‌آید:
 سوریه حدوداً ۳۰ میلیون جمعیت دارد و با توجه به جنگ ۱۰ ساله گذشته آمار دقیقی وجود ندارد. از این ۳۰ میلیون حداقل ۷۰ درصد اهل سنت هستند و از این اهل سنت که اکثریت حنفی شافعی هستند، بیشترشان شافعی‌اند. این اهل سنت را می‌توان به سه طیف مختلف فکری، تقسیم کرد؛ یکی صوفی‌ها هستند که عموم مردم اهل سنت سوریه تحت تأثیر تصوف مثل رفاعیه، نقش‌بندیه، قاریه و برخی دیگر از گروه‌های تصوف. طیف دیگر، طیف سلفی‌ها هستند که چهار نوع سلفی را می‌توانیم برای سوریه تعریف کنیم. یکی از گروه‌های قدیمی سلفی سوریه اخوانی‌ها هستند که از ۱۹۴۵ به صورت جدی فعالیت دارند و در ۴۰ سال گذشته به صورت جدی با حکومت حافظ اسد و بشار اسد اختلاف داشتند و الان در بخش‌های مختلف سوریه حضور دارند. طیف دوم از سلفی‌ها گرایش وهابیت دارند؛ اما اطلاعاتی از تعداد این گرایش وهابی در دست نیست. طیف بعدی، القاعده است که بعد از جریان‌های ۲۰۱۱ و کشته شدن بن لادن و به ریاست رسیدن «ایمن الظواهری» دستور داد

رژیم صهیونیستی به دلیل آسیب‌های وارده، مجبور به پذیرش مذاکره شد

هادی ثروتی

برنامه «گفتگوی سیاسی» رادیو گفت‌وگو با موضوع آتش بس و شکست ترکیبی صهیونیست‌ها در غزه؛ از میدان تا دیپلماسی و با حضور دکتر هادی ثروتی استاد دانشگاه و کارشناس مسائل بین‌الملل به روی آنتن رفت.

هادی ثروتی با اشاره به سرنوشت غمبار مردم فلسطین طول دهه‌های گذشته به واسطه ظلم و جنایت صهیونیست‌ها و هم پیمانان غربی آن گفت: مردم فلسطین و به طور مشخص غزه پس از دهه‌ها ظلم و جنایتی که بر آنها روا شده بود، امروز در آستانه تحمیل توافق تش بس ذلت بار به صهیونیست‌ها هستند.

وی به جنگ رژیم صهیونیستی و اعراب در دهه‌های گذشته اشاره و بیان کرد: صهیونیست‌ها پس از پیروزی‌های دهه‌های ۶۰ و ۷۰ و موفقیت در مذاکرات صلح، سرمست از پیروزی‌ها از جریان مقاومت فلسطین و همسایگان مسلمان خود غافل شدند. این غفلت منجر به سازماندهی و تقویت محور مقاومت شامل گروه‌هایی مانند حزب‌الله، یمن، عراق و ایران شده است.

این استاد دانشگاه از تغییر معادله نبرد با صهیونیست‌ها از سوی گروه‌های مقاومت منطقه گفت و اظهار کرد: با پیشرفت تکنولوژی و افزایش توان نظامی، این گروه‌ها به توانایی‌های جدیدی دست یافته‌اند و اکنون می‌توانند با موشک‌های نقطه زن و تجهیزات مدرن به مبارزه با رژیم صهیونیستی بپردازند.

وی با تصریح بر اینکه وضعیت کنونی رژیم صهیونیستی، که شکست خورده و مضطرب است، ناشی از قدرت روزافزون محور مقاومت است، عنوان کرد: رژیم صهیونیستی به دلیل این تغییرات و فشارها، مجبور به امضای معاهده صلح خفت بار شده است.

ثروتی در مصاحبه با رادیو گفت‌وگو بررسی وضعیت رژیم صهیونیستی و چالش‌هایی که در مواجهه با محور مقاومت، به ویژه در پی عملیات «طوفان الاقصی» با آن روبرو شده، پرداخته و اشاره کرد: رژیم صهیونیستی همواره به راهبرد نبرد برق‌آسا و مبارزه در خارج از سرزمین‌های اشغالی متوسل می‌شد تا با بحران روبرو نشود اما پس از طوفان الاقصی اجرای این راهبرد امکان پذیر نبود و به همین جهت رژیم صهیونیستی با مشکلات جدی مواجه شده است.

وی با تصریح بر این موضوع که غافلگیری‌های ناشی از فشارهای حزب‌الله لبنان، یمنی‌ها و توانایی‌های نهضت مقاومت عراق، رژیم صهیونیستی را در وضعیت دشواری قرار داده، تأکید کرد: هیچ کشوری به اندازه جمهوری اسلامی ایران و محور مقاومت نتوانسته به رژیم صهیونیستی ضربه بزند. به ویژه، عملیات «طوفان الاقصی» و وعده‌های صادق ۱ و ۲، ایمنی این رژیم را



دکترین امنیتی اسرائیل؛ افسانه‌ای که فروریخت

سعید سپاهی

دکترین امنیتی رژیم صهیونیستی یکی از مهم‌ترین مباحث استراتژیک در منطقه غرب آسیا است که تأثیرات گسترده‌ای بر معادلات امنیتی و سیاسی منطقه داشته است. این دکترین که زمانی به‌عنوان شالوده امنیتی این رژیم شناخته می‌شد، امروز با چالش‌های جدی روبروست و دیگر کارآمدی گذشته را ندارد. تحولات اخیر، از جمله مقاومت فعال فلسطینیان و شکست‌های متعدد اسرائیل، این ادعا را تأیید می‌کند.

ارکان دکترین امنیتی اسرائیل

این دکترین بر چهار محور اصلی بنا شده است:

۱. بازدارندگی نظامی: اسرائیل همواره تلاش کرده خود را شکست‌ناپذیر نشان دهد.

۲. ضربه پیش‌دستانه: سیاست حملات زودهنگام برای جلوگیری از تهدیدات.

۳. حمایت بین‌المللی: تکیه بر قدرت‌های غربی به‌ویژه آمریکا.

۴. مهار تهدیدات منطقه‌ای: ایجاد ائتلاف میان کشورهای اسلامی برای جلوگیری از اتحاد.

اما امروز، هر چهار محور این دکترین در معرض فروپاشی قرار گرفته‌اند.

شکست‌های دکترین امنیتی در عمل

۱. فروپاشی بازدارندگی

موشک‌های دقیق مقاومت و حملات پهنابندی به عمق سرزمین‌های اشغالی نشان داد که امنیت اسرائیل دیگر تضمین شده نیست. مقاومت، با استفاده از تکنولوژی پیشرفته، رژیم صهیونیستی را به چالش کشیده است.

۲. بحران درونی

شکاف‌های اجتماعی و اعتراضات گسترده در اسرائیل، انسجام داخلی را تضعیف کرده است. مهاجرت معکوس و کاهش اعتماد به دولت از نشانه‌های بارز این بحران است.

۳. افول حمایت بین‌المللی

افکار عمومی جهان نسبت به جنایات اسرائیل آگاه‌تر شده و حمایت غربی‌ها کاهش یافته است. کشورهای مستقل، از جمله اعضای محور مقاومت، مشروعیت این رژیم را زیر سؤال برده‌اند.

۴. اتحاد منطقه‌ای مقاومت

محور مقاومت به رهبری جمهوری اسلامی ایران، استراتژی ایجاد ائتلاف را خنثی کرده و موازنه قدرت را تغییر داده است.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

رژیم صهیونیستی که زمانی خود را شکست‌ناپذیر می‌دانست، امروز با فروپاشی تدریجی دکترین امنیتی خود مواجه است. این تحول، نتیجه مستقیم استراتژی مقاومت هوشمندانه و ایمان عمیق نیروهای مقاومت به وعده الهی است. «وَأَنَّ جُنْدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ» سپاه ما، قطعاً پیروز است.



جنگ نظامی تمام شد،

جنگ بزرگ‌تر شروع شده است!

سید حسن موسوی فرد

بالاخره رژیم صهیونیستی به مانند جنگ لبنان، در غزه نیز مجبور به پذیرش آتش‌بس شد. بی‌شک این یک پیروزی بزرگ برای مردم غزه و محور مقاومت است. چرا با وجود کشته‌شدن بیش از ۵۰ هزار انسان و تخریب کامل غزه باز هم این ادعا را می‌کنیم؟! دلیل آن کاملاً واضح است. اسرائیل به هیچ یک از اهداف از پیش اعلام شده خود نرسید.

نتوانست اسرا را با جنگ آزاد کند. نتوانست حماس را نابود کند و مجبور شد با او پای میز مذاکره بنشیند. نتوانست جنگ را خاتمه داده و معادله راهبردی یا امنیتی پیاده کند؛ تنها دستاورد آنها شهادت چند فرمانده مقاومت بود که خود آرزوی شهادت داشتند و به دست شقی‌ترین انسان‌های تاریخ به آرزوی خود رسیدند. اما گواه روشن‌تری بر پیروزی فلسطین، موج شادی و غریب پیروزی مردم غزه پس از اعلام خبر آتش‌بس بر روی ویرانه‌های غزه است. این شادمانی و سرزندگی نشان داد که انسان فلسطینی نه تنها شکست نخورد بلکه استوارتر شده است.

انسان فلسطینی در این نبرد نه تنها خود را سربلند کرد بلکه جان‌های مُرده بسیاری از مردم عالم را زنده کرد و نشان داد روح انسان هنوز نمرده و زنده است. هر خونی از یک فلسطینی بر زمین ریخت جان‌های فراوانی در عالم را زنده کرد. بشریت به این مردم مقاوم مدیون است، چرا که غزه، این سرزمین کوچک و عزیز، به آنها بیداری را هدیه داد. جان‌های پاک مردم غزه، بهای سنگینی برای بیداری شرق و غرب عالم بود و نباید آتش این بیداری دوباره خاموش شود. این بیداری باید با روایت مقاومت و پیروزی تداوم یافته، شعله‌ور شده و دوباره به جان صهیونیست‌های جنایتکار و شیطان بزرگ بیفتد.

دیروز جنگی تمام شد و امروز جنگی آغاز شده است. دیروز جنگ نظامی تمام شد و امروز جنگ با این غده سرطانی در سایر ابعاد شروع شده است! جنگ اقتصادی، جنگ رسانه‌ای و جنگ بر سر انزوای کامل رژیم تا نابودی! اگر شریان‌های حیاتی رژیم در این جنگ زده نشود، این اژدهای هفت‌سر دوباره به جان کشورهای منطقه خواهد افتاد. با روی کار آمدن مجدد ترامپ و اصرار او بر پایان جنگ نظامی، دوباره گمانه زنی‌هایی در مورد آغاز مجدد پیمان ابراهیم صورت گرفته است. پیمان ابراهیم بر خلاف نام مقدسش، طرحی شیطانی بود که آمریکا در آن بنا داشت کشورهای منطقه را با فشار و تطمیع وادار به عادی سازی با رژیم صهیونیستی کند.

غایت این طرح که از نام آن پیداست عادی شدن حضور رژیم صهیونیستی در منطقه و برقراری روابط گسترده اقتصادی، فرهنگی، علمی و امنیتی و... با کشورهای منطقه است؛ این طرح دقیقاً مقابل راهبرد رهبر معظم انقلاب و محور مقاومت در منزوی کردن رژیم و قطع شریان‌های حیاتی آن است. جنگ دیگری دوباره شروع شده است که مانند جنگ نظامی آتش و هیاهو ندارد. پیروزی آمریکا و رژیم صهیونیستی در این جنگ چیزی جز بردگی ملت‌های منطقه و توسعه این غده سرطانی در منطقه نیست؛ با توسعه این سرطان در شریان‌های منطقه باید منتظر مرگ آرمان فلسطین باشیم!

لذا لازم است از ظرفیت و آگاهی ایجاد شده در ملت‌های آزاده جهان برای مقابله با این نقشه شوم استفاده کرد و اجازه نداد که این غده سرطانی به راحتی خود را توسعه دهد.



به شدت تحت تأثیر قرار داده است.

این کارشناس مسائل بین‌الملل از تغییرات اساسی در شرایط رژیم‌های اشغالی پس از طوفان الاقصی گفت و اظهار کرد: رژیم صهیونیستی با استفاده از مولفه‌هایی چون صنعت، توریسم و بهداشت تلاش می‌کرد تا اقتصاد خود را تقویت کند، اما با وقوع «طوفان الاقصی»، وضعیت اقتصادی آن به هم ریخته و دچار بحران شده است.

وی به آسیب‌شناسی وضعیت رژیم صهیونیستی و تأثیرات منفی عملیات مقاومت بر روی آن اشاره و ضمن تأکید بر لزوم بررسی عمیق‌تر این چالش‌ها در پی ضربات نظامی و سیاسی به این رژیم، گفت: رژیم صهیونیستی به دلیل مشکلات داخلی و انزوای بین‌المللی، تحت فشارهای اقتصادی و اجتماعی قرار گرفته و شاهد تمرد و فرار نظامیانش بوده است. در نتیجه، این فشارها منجر به گسست‌های عمیق در ساختار نظامی و اجتماعی آن شده است.

وی افزود: رژیم صهیونیستی در یک جنگ فرسایشی با دو گزینه مواجه است؛ نابودی خود یا ادامه جنگ و تحمل فشارها. در این جنگ، اراده مقاومت و تلاش برای آزادی در برابر رژیم اشغالگر قرار داشت و دارد. البته دستگاه تبلیغات رژیم صهیونیستی و حامیانش در تلاش هستند نشان دهند گروه‌هایی مانند حماس و حزب‌الله تضعیف شده‌اند، در حالی که شواهد نشان می‌دهد که این گروه‌ها همچنان فعال هستند و به عملیات‌های خود ادامه می‌دهند.

ثروتی بیان کرد: رژیم صهیونیستی به دلیل آسیب‌های وارده، مجبور به پذیرش صلح و مذاکره شده است. این وضعیت نشان‌دهنده فرسایش در ابعاد مختلف جامعه رژیم اشغالگر و نیاز به تغییر در استراتژی‌های آن است. اما تجربه تاریخی نشان داده است صهیونیست‌ها همچنان بر مدار اشتباهات و محاسبات غلط خود حرکت می‌کنند.



راست‌گراترین دولت تاریخ آمریکا خواهد بود؛ طنز روزگار این است که همین قدرت امروز ترامپ ممکن است باعث شود که او این مسیر دوم را برگزیند و بعد شاهد سقوط آزاد محبوبیتش و بازگشت حزب دموکرات در سال ۲۰۲۶ باشد. ماه عسل ترامپ شاید بسیار کوتاه‌تر از آنی باشد که تصور می‌شود.

ترامپ در آستانه یک دوراهی

علی نظیف پور

پشت‌سر گذاشته است تا دوباره به کاخ سفید راه یابد. این بار آمریکایی‌ها نمی‌توانند خودشان را گول بزنند و بگویند «امریکا این نیست». ترامپ دور دوم خود را در اوج قدرت خود در تمام عمر سیاسی خود شروع می‌کند.

اما شاید ترامپ به‌زودی دریابد که الهه قدرت بی‌وفاتر از آن چیزی است که تصورش را می‌شود کرد. ترامپ شاید در قدرتمندترین موقعیت قرار داشته باشد ولی قدرت او بدون ترک نیست. برخلاف آنچه تصور می‌شود پیروزی ترامپ در انتخابات مقتدرانه نبود (کمتر از یک و نیم درصد اختلاف در آرای عمومی و با تغییر کمتر ۱۵ هزار رای نتیجه در ایالت‌های رقابتی نیز تغییر می‌کرد) و همچنان تعداد افرادی که به ترامپ نظری منفی دارند بیش از نگاه افرادی است که به او نظری مثبت دارند. واقعیت این است که انتخابات ۲۰۲۴ یک نه به دولت بایدن و نه یک آری به ترامپ.

اگر ترامپ بخواهد رئیس‌جمهور موفق و محبوبی باشد، بهتر است به وعده‌های انتخاباتی‌اش عمل نکند و از مزایای بهبود اقتصادی و زیرساخت‌های آمریکا که در دوره بایدن رخ داده بود ولی خودش میوه‌اش را ندیده بود، بهره‌مند شود. آیا ترامپ به‌زودی با اعمال تعرفه‌های بی‌رویه، اقتصاد آمریکا را دچار تورم و رکود خواهد کرد؟ آیا ترامپ به وعده خود برای اخراج میلیون‌ها مهاجر عمل خواهد کرد و فجایع انسانی و اقتصادی ناشی از چنین فاجعه‌ای را رقم خواهد زد؟ آیا دولت ترامپ حقیقتاً

ترامپ در آستانه دور دوم ریاست جمهوری‌اش، در چه موقعیتی قرار دارد؟ از بسیاری از جهات، در موقعیتی قدرتمند، و قطعاً قدرتمندتر از آغاز دور اول.

ترامپیست‌ها در مجلس نمایندگان در اکثریت هستند و در سنا نیز تعدادشان بیشتر شده است. جریان اصلی حزب جمهوری خواه انقیاد او را پذیرفته است. اکثریت محافظه‌کار در دیوان عالی بسیار بیشتر شده است. او از بیشترین میزان محبوبیت در افکار عمومی در همه عمر سیاسی خود برخوردار است. کابینه او این بار نه توسط افراد عاقلی که قصد کنترل کردن و محدود کردن غرایز ویران‌گر او را دارند بلکه توسط مجیزگویان و وفاداران فردی او پر شده است. حزب دموکرات اراده‌ای برای مقاومت در برابر او ندارد. فعالان سیاسی و مردم عادی لیبرال اینبار مستاصل هستند و نه خشمگین و اعتراضات میلیونی در کار نیست. اروپا متفرق است و جهان شاهد رشد راست افراطی: خارج از مرزهای آمریکا نیز کسی دل و دماغ مقاومت در برابر ترامپ را ندارد.

دفعه اول که ترامپ در انتخابات پیروز شد، پیروزی او یک اتفاق غیرمنتظره بود که نباید رخ می‌داد. ترامپ آرای عمومی را کسب نکرده بود و قدرت خود را بر حزب خود اعمال نکرده بود. می‌شد امید داشت که انتخاب او اپیزودی غیرعادی ولی زودگذر در تاریخ آمریکا باشد. ولی اکنون قصه فرق کرده است. این بار ترامپ محکومیت در دادگاه و شکست در انتخابات و اقدام به ترور را

گسترش روابط ایران و روسیه

کریم جعفری

سفر رئیس جمهور به مسکو اهمیت بالایی دارد و این اهمیت صرفاً به دلیل امضای معاهده راهبردی میان دو کشور نیست، بلکه دلایل متعدد دیگری دارد که علاوه بر تحولات جهانی، ناظر به روی کار آمدن دولت چهاردهم در ایران است که گفته می‌شود عمده اعضای تشکیل‌دهنده آن را افراد غرب‌گرا تشکیل می‌دهند که دید و نگاه خوبی به روسیه ندارند. پیش از سفر رئیس جمهور ایران به روسیه، مسائل این چنینی و برخی اظهارات روس‌ستیزانه بر روابط تهران - مسکو سایه افکنده بود، ولی به نظر می‌رسد دیدارهای ماه‌های گذشته میان پوتین و پزشکیان و همچنین روحیه شخصی رئیس جمهور ایران باعث شده تا این مسائل چندان برجسته نشوند و معاهده راهبردی میان دو کشور در این سفر پس از ماه‌ها انتظار و اصلاح، سرانجام به امضای نهایی برسد.

این سفر در حالی که دولت چهاردهم در ایران شش ماهی است روی کار آمده، بیانگر آن است که با وجود عناصر غرب‌گرا در این دولت، اما نگاه به روسیه و جایگاه آن در سیاست خارجی کشور محکم است و تهران و مسکو هر دو متأثر از تحولات جهانی، دردهای مشترک و قرار گرفتن در کنار هم در پیمان‌های منطقه‌ای و جهانی مهم، نیازمند همکاری دو جانبه هستند. با توجه به اینکه دولت سیزدهم معروف به دولت نزدیک به روسیه بود و گفته می‌شد دولت چهاردهم می‌خواهد توازن را به شکلی برقرار کند که با «غرب و شرق» به یک اندازه همکاری کند اما مشخص شده که غرب خیلی دور از دسترس است و به همین دلیل سفر مسعود پزشکیان به مسکو از اهمیت بالایی برخوردار است.

این سفر از جانب دیگر با واسطه تحولات منطقه و اتفاقات روی داده در سوریه نیز دارای اهمیت روزافزون است. به هر حال ایران گلبه‌های بسیاری از رفتارها و اقدامات روس‌ها در سوریه داشته و دارد و بر این باور است که اگر روس‌ها هماهنگ‌تر، روراست‌تر و کوشا تر بودند این اتفاقات در سوریه روی نمی‌داد. روس‌ها هم از آنچه در سوریه روی داده وحشت‌زده هستند. ده‌ها هزار تروریست ترک‌تبار که عمدتاً از آسیای مرکزی، قفقاز و جمهوری‌های روسیه هستند امروز توسط ناتو در سوریه سازماندهی شده و خطرات امنیتی بسیاری برای روس‌ها دارند. بر همین اساس نمی‌توان برخی ادعاها مبنی بر اینکه روسیه می‌خواهد با تروریست‌های القاعده در سوریه همکاری کند را جدی گرفت.

از طرف دیگر، این سفر دو روز پیش از مراسم تحلیف رئیس جمهور جدید آمریکا که با امضای یک توافق راهبردی میان ایران و روسیه همراه شده، پیام‌های مختلفی برای غرب به ویژه آمریکایی ترامپ دارد که با دو بحران جدی در غرب آسیا و شرق اروپا مواجه است که مدیریت یکی دست ایران و دیگری دست روسیه قرار دارد. با وجود برخی خوش‌بینی‌ها و ادعاها در مورد روابط خوب میان پوتین و ترامپ و احتمال پایان جنگ در اوکراین و بهبود روابط میان کرملین و کاخ سفید، به نظر بعید است که

روسی‌ها حاضر به اعتماد به آمریکایی‌ها باشند و همه تخم‌مرغ‌های خود را در سبد ترامپ بگذارند.

این مساله در مورد ایران هم صادق است؛ با وجود گفت‌وگوی نه چندان خوب پزشکیان با یکی از شبکه‌های تلویزیونی آمریکا و ارسال پیام مذاکره و توافق و موضع‌گیری‌های تند ترامپ علیه نتانیاهو و حتی آرزوی سلامتی با رهبر انقلاب، اما ایران هم از آمریکا زخم‌های کاری بسیاری خورده و دیوار بی‌اعتمادی به دلیل رفتارها و اقدامات آمریکایی‌ها عمری نیم‌قرنی دارد که نمی‌تواند به این سادگی از آن عبور کرد. از طرف دیگر، همانگونه که در بالا گفته شد، ایران و روسیه هر دو عضو پیمان شانگهای و سازمان اقتصادی بریکس هستند که با اهداف کلان خود می‌خواهند نظم آمریکایی را که متزلزل شده، برای همیشه نابود کند. این مساله از اهمیت بالایی در روابط دو کشور برخوردار است.

با نگاهی به اظهارات مسعود پزشکیان در دیدار با پوتین به خوبی می‌شود نسبت به دیدگاه او در مورد روسیه آگاه شد، اینکه او تاکید دارد «همه» توافقات گذشته به صورت «کامل» شکل اجرایی به خوب بگیرند؛ پزشکیان در این دیدار با بیان اینکه «تلاش کرده‌ایم موانع موجود بر سر راه اجرای کامل و سریع‌تر همه توافقات قبلی با روسیه را رفع کنیم، تصریح کرد: مصمم هستیم همه این توافقات را به شکل کامل اجرا کنیم. راهکارهای این موضوع در نشست‌ها و مذاکرات کارشناسان و مسئولان دو کشور مطرح و نهایی شده و جمع‌بندی‌هایی حاصل شده در دیدارهای امروز نهایی خواهند شد.»

همانگونه که در بالا هم گفته شد، در اینجا روحیه و نگاه شخص پزشکیان را هم باید مدنظر دقیق قرار داد که نشان دهنده تفکر او در توسعه روابط با کشورهای همسایه است: به همین خطاب به پوتین گفت: «بر موضع گسترش این روابط محکم ایستاده‌ایم، این نگاه و توصیه رهبر معظم انقلاب اسلامی و باور و اعتقاد ماست که مسایل منطقه باید با مدیریت کشورهای منطقه حل و فصل شود و نیازی به این نیست که دیگران از آن سوی دنیا به اینجا آمده و بخواهند منطقه را برهم زده و سیاست‌های خودشان را اعمال کنند؛ قطعاً توسعه روابط ما نقشه‌های آنها را نقش بر آب خواهد کرد.»

بنابراین، آن‌هایی که فکر می‌کردند در دولت چهاردهم روابط ایران و روسیه از یک سو و روابط تهران با پکن از سوی دیگر تحت تاثیر قرار خواهد گرفت، حالا متوجه اشتباه خود شده‌اند. حقیقت ماجرا آن است که هم ایران و هم روسیه و هم چین اشتراکات زیاد، فرصت‌های زیاد و مهم‌تر از همه تهدیدات مشترک متعددی دارند که تنها از مسیر همکاری و همراهی می‌توان آن را حل و فصل کرد. از همین رو است که ولادیمیر پوتین

جو بایدن، رئیس جمهور ایالات متحده اخیراً از خرید فولاد ایالات متحده توسط شرکت نیپون استیل ژاپن جلوگیری کرد. بایدن درباره تصمیم خود گفته است: «یک صنعت فولاد قوی و دارای مالکیت داخلی در اولویت امنیت ملی بوده و برای زنجیره‌های تامین حیاتی است.» دیوید بی. بوریت، مدیرعامل و رئیس جمهور فولاد ایالات متحده، از تصمیم بایدن انتقاد کرد. هم «یو.اس. استیل» و هم «نیپون استیل» اعلام کرده‌اند که چاره‌ای جز مراجعه به دادگاه ندارند. در بیانیه مشترک ایالات متحده استیل و نیپون استیل آمده است: «اظهارات و دستور رئیس جمهور هیچ مدرک معتبری مبنی بر یک موضوع امنیت ملی ارائه نمی‌دهد و بدون تردید، این یک تصمیم سیاسی بوده است. ما چاره‌ای نداریم جز اینکه تمام اقدامات مناسب را برای حفظ حقوق قانونی خود انجام دهیم.»

مقامات ارشد ژاپن ابراز نگرانی کرده‌اند که تصمیم دولت بایدن بر روابط اقتصادی ژاپن و آمریکا در آینده تاثیر خواهد گذاشت. در دوران نخست ریاست جمهوری ترامپ، اختلافات بین توکیو و واشنگتن بر سر مسائل کلیدی اقتصادی به ویژه تصمیم ترامپ برای افزایش تعرفه‌ها، منجر به تنش بین ایالات متحده و ژاپن شد. از زمان اعلام این خبر در دسامبر ۲۰۲۳ مبنی بر اینکه نیپون استیل شرکت فولاد ایالات متحده مستقر در پنسیلوانیا را در اختیار خواهد گرفت، یک اجماع همه‌جانبه در ایالات متحده در مورد مخالفت با این قرارداد به وجود آمده است. به طوری که، ترامپ، رئیس جمهور آینده آمریکا و بایدن در این موضوع با یکدیگر هم نظر بوده‌اند.

موضوع بایدن در مورد خرید پیشنهادی فولاد ایالات متحده توسط نیپون استیل، به وضوح این مهم را نشان می‌دهد که در یک‌دهه گذشته شرایط اقتصادی در ایالات متحده تغییر کرده و هم دموکرات‌ها و هم جمهوری خواهان در پی اتخاذ یک موضع انزواگرایانه در مورد مسائل مهم اقتصادی هستند.

موضوع بایدن در مورد خرید پیشنهادی فولاد ایالات متحده توسط نیپون استیل، به وضوح این مهم را نشان می‌دهد که در یک‌دهه گذشته شرایط اقتصادی در ایالات متحده تغییر کرده و هم دموکرات‌ها و هم جمهوری خواهان در پی اتخاذ یک موضع انزواگرایانه در مورد مسائل مهم اقتصادی هستند.

موضوع بایدن در مورد خرید پیشنهادی فولاد ایالات متحده توسط نیپون استیل، به وضوح این مهم را نشان می‌دهد که در یک‌دهه گذشته شرایط اقتصادی در ایالات متحده تغییر کرده و هم دموکرات‌ها و هم جمهوری خواهان در پی اتخاذ یک موضع انزواگرایانه در مورد مسائل مهم اقتصادی هستند.

موضوع بایدن در مورد خرید پیشنهادی فولاد ایالات متحده توسط نیپون استیل، به وضوح این مهم را نشان می‌دهد که در یک‌دهه گذشته شرایط اقتصادی در ایالات متحده تغییر کرده و هم دموکرات‌ها و هم جمهوری خواهان در پی اتخاذ یک موضع انزواگرایانه در مورد مسائل مهم اقتصادی هستند.

موضوع بایدن در مورد خرید پیشنهادی فولاد ایالات متحده توسط نیپون استیل، به وضوح این مهم را نشان می‌دهد که در یک‌دهه گذشته شرایط اقتصادی در ایالات متحده تغییر کرده و هم دموکرات‌ها و هم جمهوری خواهان در پی اتخاذ یک موضع انزواگرایانه در مورد مسائل مهم اقتصادی هستند.

موضوع بایدن در مورد خرید پیشنهادی فولاد ایالات متحده توسط نیپون استیل، به وضوح این مهم را نشان می‌دهد که در یک‌دهه گذشته شرایط اقتصادی در ایالات متحده تغییر کرده و هم دموکرات‌ها و هم جمهوری خواهان در پی اتخاذ یک موضع انزواگرایانه در مورد مسائل مهم اقتصادی هستند.

موضوع بایدن در مورد خرید پیشنهادی فولاد ایالات متحده توسط نیپون استیل، به وضوح این مهم را نشان می‌دهد که در یک‌دهه گذشته شرایط اقتصادی در ایالات متحده تغییر کرده و هم دموکرات‌ها و هم جمهوری خواهان در پی اتخاذ یک موضع انزواگرایانه در مورد مسائل مهم اقتصادی هستند.

موضوع بایدن در مورد خرید پیشنهادی فولاد ایالات متحده توسط نیپون استیل، به وضوح این مهم را نشان می‌دهد که در یک‌دهه گذشته شرایط اقتصادی در ایالات متحده تغییر کرده و هم دموکرات‌ها و هم جمهوری خواهان در پی اتخاذ یک موضع انزواگرایانه در مورد مسائل مهم اقتصادی هستند.



با رضایت از گسترش روابط دو کشور، می‌گوید: روند توسعه روابط دو کشور در حال حاضر از سرعت قابل قبولی برخوردار است و ما توانسته‌ایم طی ۱۰ ماه گذشته بیش از ۱۵ درصد بر حجم مبادلات تجاری دو کشور بیافزاییم و مطمئن هستیم این معاهده به سرعت بخشیدن توسعه روابط در تمامی ابعاد کمک خواهد کرد.

دقت کنید، ۱۵ درصد عدد کوچکی در ۱۰ ماه نیست و او با اشاره به امضای معاهده دو جانبه آورده‌های آن را اینگونه توصیف می‌کند: «ما بر مبنای این معاهده در پروژه‌های مهم و بزرگ مشترک از جمله در توسعه طرح‌های نیروگاه هسته‌ای و انرژی همکاری خواهیم کرد، همکاری‌ها در گردشگری و توریسم ۲۱ درصد افزایش پیدا خواهد کرد، همکاری در بخش حمل و نقل و توسعه مسیرهای مواصلاتی توسعه می‌یابد و در بخش بشردوستانه نیز پیشرفت خواهیم داشت.»

* برخی از مفاد مهم معاهده مشترک جامع راهبردی ایران و روسیه:

— در صورت حمله به یکی از طرفین، طرف دیگر هیچ کمکی به متجاوز نکند.

— در ماده سه این معاهده، موضوع احترام به تمامیت ارضی، گنجانده شده است.

— روسیه و ایران بر تعهد خود به توسعه همکاری‌های نظامی-فنی تاکید کردند و آن را جزء مهم حفظ امنیت جهانی می‌دانند.

— کشورها توافق کردند در برگزاری آزمایش‌های نظامی مشترک همکاری نزدیک داشته باشند.

— مسکو و تهران از پیوستن به تحریم‌های کشورهای ثالث علیه یکدیگر خودداری کرده و عدم استفاده از اقدامات قهری یکجانبه را تضمین خواهند کرد.

— روسیه و ایران به منظور ایجاد زیرساخت پرداخت مستقل از کشورهای ثالث با یکدیگر همکاری کنند.

— مسکو و تهران توافق کردند در زمینه کنترل تسلیحات، عدم اشاعه سلاح و تضمین امنیت بین‌المللی همکاری کنند.

— مسکو و تهران برای ارتقای همکاری رسانه‌های دو کشور برای مقابله با اطلاعات نادرست و تبلیغات منفی توافق کردند.



کلینتون، نامزدهای ریاست جمهوری دموکرات‌ها در سال ۲۰۱۶، از TPP انتقاد کرده‌اند.

یکی از نخسین تصمیماتی که ترامپ در دوران ریاست جمهوری قبلی خود گرفت، خروج از TPP بود. این اقدام سیگنال‌هایی را به متحدان و شرکای ایالات متحده به ویژه در آسیا ارسال کرد. ترامپ همچنین اعلام کرده است که ایالات متحده از چارچوب اقتصادی هند و اقیانوسیه (PEF) که توسط دولت بایدن با ۱۴ کشور شامل استرالیا، برونئی، فیجی، هند، اندونزی، ژاپن، جمهوری کره، مالزی، نیوزلند، فیلیپین، سنگاپور، تایلند، ویتنام و ایالات متحده امضاء شد، خارج خواهد شد.

در پایان، برخی از تحولات اخیر به وضوح نشان می‌دهد که گرایش فزاینده‌ای به سمت سیاست‌های اقتصادی جزیره‌ای در ایالات متحده وجود دارد. این گرایش در سایر نقاط جهان نیز قابل مشاهده است. دلیل اصلی این امر، ظهور سیاست پوپولیستی و موفقیت روایت «ضد جهانی‌سازی» است. اختلافات بین ایالات متحده و متحدانش در آسیا و اروپا بر سر مسائل کلیدی اقتصادی احتمالاً در دوره دوم ریاست جمهوری ترامپ افزایش یابد که چین از همین مزیت استفاده خواهد کرد.



بستر سازی برنامه هفتم برای تجاری سازی نوآوری هادر کشور

اسماعیل قادری فر

برنامه «گفتگوی اقتصادی» رادیو گفت‌وگو درباره چگونگی تجاری‌سازی محصولات شرکت‌های دانش‌بنیان با دکتر اسماعیل قادری‌فر مدیر طرح ملی زنجیره‌های ارزش راهبردی معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری مصاحبه تلفنی کرد.

قادری‌فر با اشاره به اهمیت موضوع تجاری‌سازی محصولات و فناوری‌ها در کشور گفت: تولیدات علمی دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی کشورمان طی سال‌های اخیر پیشرفت‌های قابل‌ملاحظه‌ای کردند به طوری که در فناوری نانو رتبه چهارم دنیا را کسب کردیم، در حوزه زیست‌فناوری رتبه یازدهم و در حوزه سلول‌های بنیادی نیز رتبه سیزدهم دنیا را به خود اختصاص دادیم.

وی افزود: رتبه جهانی تولید علم ایران در مراجع معتبر علم‌سنجی دنیا به‌صورت میانگین رتبه ۱۵ بوده و در سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲ میلادی نیز دانشگاه‌های ایران به طور میانگین رشد ۱۱ برابری داشتند.

مدیر طرح ملی زنجیره‌های ارزش راهبردی معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری تصریح کرد: با وجود اینکه از نظر ارزش دانش و تخصص، جایگاه برجسته‌ای در دنیا داریم؛ اما در حوزه کاربرد و تجاری‌سازی محصولات و نوآوری‌ها هنوز جای کار بیشتری داریم و باید چتر حمایتی گسترده‌تری را برای تجاری‌سازی محصولات و فناوری‌ها و نوآوری‌های محققان و نخبگان ایرانی شاهد باشیم.

قادری‌فر ادامه داد: ایجاد پارک‌های علم و فناوری، مراکز رشد و کارخانه‌های نوآوری و مراکز تحقیق و توسعه از اقدامات چشمگیری بوده که برای بازارسازی و توسعه بازار محصولات دانش‌بنیان در کشور طی سال‌های اخیر انجام شده است.

وی از فعالیت بالغ بر ۱۰ هزار شرکت دانش‌بنیان و نزدیک به ۷ هزار استارت‌آپ و کسب‌وکارهای نوپا در کشور سخن گفت و اظهار کرد: در حال حاضر موضوع اقتصاددانش بنیان از اقتصاد خرد به سمت اقتصاد کلان به تدریج در حال میل کردن است.

مدیر طرح ملی زنجیره‌های ارزش راهبردی معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری با اشاره به اینکه قانون‌گذار در برنامه هفتم کشور و ذیل قانون «جهش تولید دانش‌بنیان» مصوب سال ۱۴۰۱ مجلس شورای اسلامی مشوق‌ها و بسترهای خوبی را برای تجاری‌سازی نوآوری‌ها و اختراعات در کشور فراهم کرده است گفت: از جمله این مشوق‌ها می‌توان به ایجاد و توسعه صندوق‌های خطرپذیر مشارکتی و چتر حمایتی از قبل قوانینی مانند قانون حمایت مالیاتی از تحقیق و توسعه نگاه‌های بزرگ صنعتی کشور اشاره کرد.

قادری‌فر افزود: امیدواریم با کمک فعالان زیست‌بوم فناوری و نوآوری مانند معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری، صندوق نوآوری و شکوفایی، صندوق‌های سرمایه‌گذاری خطرپذیر در کشور و تداوم حمایت‌های رسانه ملی از این موضوعات شاهد توسعه بیشتر کسب‌وکارهای دانش‌بنیان و جهش تولید دانش‌بنیان در منظومه اقتصادی کشورمان باشیم.

قادری‌فر افزود: امیدواریم با کمک فعالان زیست‌بوم فناوری و نوآوری مانند معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری، صندوق نوآوری و شکوفایی، صندوق‌های سرمایه‌گذاری خطرپذیر در کشور و تداوم حمایت‌های رسانه ملی از این موضوعات شاهد توسعه بیشتر کسب‌وکارهای دانش‌بنیان و جهش تولید دانش‌بنیان در منظومه اقتصادی کشورمان باشیم.

قادری‌فر افزود: امیدواریم با کمک فعالان زیست‌بوم فناوری و نوآوری مانند معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری، صندوق نوآوری و شکوفایی، صندوق‌های سرمایه‌گذاری خطرپذیر در کشور و تداوم حمایت‌های رسانه ملی از این موضوعات شاهد توسعه بیشتر کسب‌وکارهای دانش‌بنیان و جهش تولید دانش‌بنیان در منظومه اقتصادی کشورمان باشیم.

قادری‌فر افزود: امیدواریم با کمک فعالان زیست‌بوم فناوری و نوآوری مانند معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری، صندوق نوآوری و شکوفایی، صندوق‌های سرمایه‌گذاری خطرپذیر در کشور و تداوم حمایت‌های رسانه ملی از این موضوعات شاهد توسعه بیشتر کسب‌وکارهای دانش‌بنیان و جهش تولید دانش‌بنیان در منظومه اقتصادی کشورمان باشیم.

افزایش شکاف بین ایالات متحده و شرکای بر سر مسائل اقتصادی

■ اختلاف نظر در مورد ویزای کاری ایالات متحده

اخیراً، رهبر ارشد دموکرات و سناتور برنی سندرز از سیستم ویزای H-1B (ویزای کاری ایالات متحده برای کارگران بسیار ماهر خارجی) انتقاد کرد. دیدگاه‌های او در مورد H-1B با نظرات بسیاری به‌ویژه حامیان ترامپ در حزب جمهوری‌خواه تفاوت چندانی ندارد. ایلان ماسک، مدیرعامل تسلا و وزیر کارآمدی دولت (DOGE) از سیستم ویزای H-1B دفاع و باور دارد که این ویزا به شرکت‌های آمریکایی امکان می‌دهد تا افراد ماهر و مستعد را استخدام کنند. اما سندرز گفته است که ویزای H-1B فقط برای میلیاردرهای آمریکایی مفید است. این سناتور آمریکایی همچنین گفت: «کارکرد اصلی ویزای H-1B استخدام «بهترین و باهوش‌ترین» افراد نیست، بلکه جایگزین کردن مشاغل پردرآمد آمریکایی با خدمتکاران کم‌دستمزد خارج از کشور است.»

ترامپ که در گذشته منتقد ویزاهای H-1B بوده، اخیراً از این ویزا دفاع کرده است. مشاور او، استیو بنن، اما از ویزای H-1B انتقاد کرده و گفته است که این سیستم باید برچیده شود. بنن، ماسک را به دلیل نظراتش در نفع ویزای H-1B مورد انتقاد قرار داد. دیگر حامیان سیاست «آمریکا دوباره بزرگ» نیز از ماسک انتقاد کرده‌اند و از انتصاب افراد مانند «سیرام کریشنان» به عنوان مشاور ارشد هوش مصنوعی در تیم ترامپ ناراضی بوده‌اند.

■ افزایش همگرایی اقتصادی بین دموکرات‌ها و جمهوری خواهان

حتی در مورد مسائلی مانند توافقنامه‌های تجاری، جمهوری خواهان و دموکرات‌ها در یک موضع بوده‌اند. در حالی که مشارکت ترانس پاسیفیک (TPP) که اکنون به عنوان توافق جامع و مترقی برای مشارکت ترانس پاسیفیک (CPTPP) از آن یاد می‌شود، زاینده افکار باراک اوباما بود، دموکرات‌ها همین موضوع را رد کردند. در طول مبارزات انتخاباتی ریاست جمهوری سال‌های ۲۰۱۶، ۲۰۲۰ و ۲۰۲۴، دموکرات‌ها از TPP فاصله گرفتند. هم برنی سندرز و هم هیلاری

اطلاعات کودکان در مورد تاریخ و هنر موسیقی بسیار ضعیف است

میناکشفی



برنامه موسیقایی «ارغنون» رادیو گفت‌وگو در رابطه با موضوع فرایند و روش‌های آموزش موسیقی در ایران یا دکتر میناکشفی دکترای پژوهش هنر و مدرس پیانو گفتگو کرد.

کشفی در ابتدای برنامه به نظریات یکی از جامعه‌شناسان برجسته فرانسوی در زمینه آموزش اشاره کرد و گفت: پیر بردیو نظریات ارزشمندی در زمینه تعلیم و تربیت ارائه کرده که این نظریات باز نمود علمی از زندگی روزمره ما دارد.

وی افزود: یکی از نظریات جالب این جامعه‌شناس فرانسوی در زمینه آموزش و پرورش این است که در فضای آموزشی، به جای اینکه استعداد های فردی افراد پرورش داده شود ناخواسته و ناخودآگاه به نوعی اشراف‌سالاری فرهنگی پرورش داده می‌شود به طوری که معلم در فضای آموزشی، آن هنرجویی را بیشتر پرورش می‌دهد که از بستر و سطح فرهنگی بالاتری وارد جامعه شده و هنرجویی که از نظر استعدادی در سطح بالاتری قرار دارد خودبه‌خود از این فضا حذف می‌شود.

این پژوهشگر هنر متذکر شد: هنرجویی که خانواده او به موسیقی به‌عنوان یک سرگرمی نگاه می‌کند و موسیقی در خانواده او چندان جدی نیست بعد از مدتی از این فضا خسته می‌شود و رها می‌کند؛ اما هنرجویی که در سطح بالاتری از فرهنگ قرار دارد و والدین او به موسیقی به‌عنوان یک هنر فاخر و یک مسئله جدی نگاه می‌کنند قطعاً امکان رشد بیشتری دارد.

کشفی از ضرورت توجه بیشتر به هنرجویانی که در سطح پایین‌تری از فرهنگ قرار دارند سخن گفت و اظهار کرد: کودکی که از نظر فرهنگی بستر مناسبی ندارد قطعاً نیازمند پیش‌نیازهایی است تا به سطح قابل‌قبولی برسد و استعدادهايش پرورش پیدا کند. وی با بیان اینکه امروزه همه مسائل پیرو سرعت و اینترنتی شدن و جهانی‌شدن در حال تغییر است گفت: ما باید خود را با این سرعت تغییر و تحولات و متدهای آموزشی نوین سازگار کنیم و ضمن نخبه‌پروری، هنرجویان متوسط را نیز به بالاترین سطح ممکن برسانیم.

این مدرس پیانو در مصاحبه با رادیو گفت‌وگو اظهار کرد: پیانو یک ساز کلاسیک است که مطابق با فرهنگ غربی



آنچه اسد نمی‌دانست

مهدی شامحمدی

مهدی شامحمدی، کارگردان مستند «هجده هزارپا» در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

از آن زمان تا حالا، رسانه و مستندسازی به شکلی که باید در جهت مقابله با تهدیدات رسانه‌ای کار می‌شد، در داخل کشور ضعیف بود. در حالی که دشمن رسانه را جدی گرفته بود و در آن موفق بود. یکی دیگر از دلایل کیفیت پایین مستندها این بود که مستندسازان حرفه‌ای کمتری در این مناطق حضور داشتند.

من نام ایران را در فیلم نیاوردم تا مخاطب درگیر هیچ نامی نشود و تصور نکند که مستندی برای پروپاگاندا می‌بیند و همه توجهش معطوف مسئله انسانی فیلم باشد تا من بتوانم روی آن فرد تأثیر بگذارم.

در فیلم‌های دیگر درباره سوریه و عراق، معمولاً دایره مخاطب محدود می‌شد، اما ما سعی کردیم فیلمی بسازیم که حتی کسانی که ممکن است تصورات اشتباهی داشته باشند، بتوانند با دیدن فیلم، اطلاعات دقیق‌تر و صادقانه‌تری دریافت کنند و نظرشان تغییر کند.

هر روز مواد غذایی، دارو و سوخت برای مردم محاصره‌شده فوعه و کفریا از طریق باربری هوایی انجام می‌شد و دلیل زنده ماندن و مقاومت مردم، همین باربری‌ها بود. وقتی من این ویدئو را آماده کردم و اثرات آن مشهود شد، خواستم که اجازه بدهند بمانم و کار خودم را بسازم.

این فیلم درباره آدم‌هایی است که تحت ظلم قرار گرفته‌اند و در محاصره بودند. نیرویی از بیرون با نگاهی انسان‌دوستانه و از طریق باربری هوایی آن‌ها را زنده نگه داشت و به مقاومتشان کمک کرد. به همین دلیل، فیلم به نظر من زمان‌دار نیست.

آثاری که شانس برنده شدن در اسکار را دارند



با پایان مهلت رأی‌گیری برای نود و هفتمین دوره جوایز سینمایی اسکار، بحث‌ها درباره شانس موفقیت فیلم‌های مختلف داغ شده است.

فیلم «بروتالیست» به کارگردانی بردی کوربت، «هیئت منصفه شماره ۲» اثر کلینت ایستوود، «من هنوز اینجا هستم» با بازی فرناندو تورس و «درد واقعی» با بازی کایرن کالکین مورد توجه منتقدان قرار گرفته‌اند. همچنین فیلم‌های «امیلیا پرز» به کارگردانی ژاک اودیارد و «ملاقات محرمانه» ساخته ادوارد برگر نیز از مدعیان اصلی رقابت اسکار امسال هستند که موفقیتشان در گلدن گلوب نیز این جایگاه را تقویت کرده است.

فهرست نامزدهای نهایی نود و هفتمین دوره جوایز سینمایی اسکار روز ۲۳ ژانویه (چهارم بهمن) اعلام می‌شود.

ساخته شده و موسیقی ایرانی نیز یک موسیقی دستگامی است؛ اما در صورت، شنیدن برخی قطعات کلاسیک غربی برای گوش مخاطب ایرانی جذاب و دلنشین است.

کشفی با اشاره به لزوم فراهم‌شدن یک فضای فکری و فرهنگی برای آموزش هنر به کودکان گفت: ما در مدارس، درس هنر داریم؛ اما در مورد موسیقی، خیلی کم کار شده و کمبود زیرساخت‌های فکری و فرهنگی برای آموزش موسیقی در مدارس کاملاً احساس می‌شود.

وی با بیان اینکه اطلاعات کودکان در مورد تاریخ موسیقی و هنر و نوازندگان این حوزه بسیار کم و ضعیف است تأکید کرد: اگر فضای فکری و فرهنگی کودکان برای مقوله هنر موسیقی بازتر شود قطعاً با اتفاقات بهتری مواجه خواهیم شد.

پژوهشگر هنر با تأکید بر اینکه کودکان باید به سمت فضای هنری و فرهنگی سوق داده شوند تصریح کرد: متأسفانه بازی‌های رایانه‌ای و سرعت بالای اینترنت دامنگیر ما در حوزه آموزش شده و کودکان غرق اینترنت و فضای مجازی و بازی‌های رایانه‌ای شدند که هیچ آینده‌ای هم ندارد.

کشفی ادامه داد: معلمان حوزه موسیقی باید محتوای آموزشی و آثار موسیقایی و ادبیات فارسی را برای دانش‌آموزان و هنرجویان تبیین کنند و با به‌خرج‌دادن خلاقیت و نوآوری مانند خواندن شعر و پخش کردن آثار مهم موسیقی در کلاس، هنرجویان را به این فضا برگردانند.

این مدرس پیانو در رابطه با نقش شعر در فرایند آموزش موسیقی اظهار کرد: خواندن شعر در کلاس درس موسیقی علاوه بر تلطیف روح و روان هنرجویان، باعث درک و فهم بهتر هنرجویان از ریتم و ایجاد شور و شوق و ذوق بیشتر در آنها می‌شود.

کورسوی سینمای نوجوان

محمدامین قاسمی

«باغ کیانوش» بی‌شک آبرومندانه‌ترین اثر سینمای نوجوان ایران در چند سال اخیر است. در حالی که فیلم‌های بزرگسالانه‌ی زرد یا سفارشی سانس‌های سینما را قرق کرده‌اند، سینمای کودک و نوجوان هرازچندگاهی در تاریخ‌خانه‌ی هنر هفتم سوسو می‌زند. در این میان، سینمای نوجوان از سینمای کودک هم مهجورتر است. افزایش محسوس کمی و کیفی پویانمایی‌های کودکانه‌ی داخلی، بخشی -هرچند اندک- از نیاز مخاطب کودک را تأمین می‌کنند؛ اما این نوجوانان‌اند که در زیست‌بوم فرهنگی، به بی‌سرپرستی و شاید هم بدسرپرستی دچارند. در چنین آشفته‌بازاری است که فیلمی چون «باغ کیانوش» ارزشمند و احترام‌برانگیز به شمار می‌آید.

«باغ کیانوش»، محصول بی‌آفتی از نظر سینمایی نیست و می‌توان نقدهای جدی متعددی به بخش‌های مختلف آن وارد کرد. باین حال، آنچه اهمیت دارد این است که سازندگان اثر برای وقت و شعور و احساسات مخاطب ارزش قائل بوده‌اند. فیلمی که مخاطب هدفش نوجوان ۱۳ سال به بالاست ولی دربردارنده‌ی عناصری است که برای بزرگسالان هم جذاب و درگیرکننده است. تا زمان نگارش این مطلب (۲۶ دی‌ماه ۱۴۰۳)، «باغ کیانوش» فروش بیش از ۲۱ میلیارد تومانی را در گیشه‌ها تجربه کرده‌است که در مقایسه با آثار شکست‌خورده‌ی اخیر که مخاطب نوجوان را هدف گرفته بودند، امیدوارکننده است. روی‌هم‌رفته، حضور جسورانه‌ی فیلم

به‌منظرم یکی از ماجراجویانه‌ترین و هیجان‌انگیزترین تجربه‌هایی که هر انسان داستان‌دوستی می‌تواند داشته باشد، تماشای نمایش، فیلم یا سریال اقتباسی از داستان یا رمانی است که پیش‌تر خوانده‌است. حدود یک ماه پیش در مطلبی که درباره‌ی رمان «باغ کیانوش» نوشتم، به این نکته اشاره کردم که آشنایی‌ام با این رمان به‌واسطه‌ی اکران فیلم سینمایی اقتباس‌شده از آن بود. این اتفاق برای اغلب منابع اقتباس می‌افتد؛ گویا تا زمانی که یک داستان در رسانه‌های تصویری صدا نگیرد، مراجعه‌ی انبوه و فراگیر به قلمرو مکتوب آن هم کمتر رخ می‌دهد. باین‌همه، خواندن و دیدن توأمان دنیای نوجوانانه‌ی «باغ کیانوش» و البته نوشتن درباره‌ی آن، تجربه‌ای دلچسب برایم رقم زده‌است.

فیلم «باغ کیانوش» به مراتب از رمان «باغ کیانوش» جذاب‌تر، پرکشش‌تر و حتی عمیق‌تر است. شخصیت‌ها، خطوط داستانی، جغرافیای رخدادها، ژانر و مضامین کلیدی در فیلم به‌طور قابل‌توجهی توسعه یافته‌اند. از این‌رو، با اقتباسی آزاد طرفیم که ایده‌ی اصلی داستانی و پیرنگ را از رمان گرفته و آن را متناسب با اقتضات سینما و مخاطب امروزی، پرورش و گسترش داده‌است. گوشه‌ای از این ارتقا را می‌توان در نگاه هستی‌شناختی حاکم بر اثر دانست. به‌طوری‌که برخلاف واقع‌گرایی سایه‌انداخته بر رمان، شاهد به‌کارگیری به‌جا و به‌اندازه‌ی مؤلفه‌های ژانر فانتزی در صحنه‌های گوناگون فیلم هستیم. افزون‌بر این، بهره‌گیری درست «باغ کیانوش» از تنوع ژانری موجب شده هم‌خنده بر لب نشینند، هم قلب به تپش افتد و هم دیدگان تر شوند.



بی‌کتابی در پاییز

پیشخوان
Pishkhan.com

کتاب گران است، تیراژ یا همان شمارگان پایین آمده و البته موارد دیگر هم آنچنان حال و روز خوبی ندارد. این اولین مواجهه با آمار نشر در سه ماه اخیر است. با نگاهی به آمار خانه کتاب و ادبیات ایران که در سه ماه پاییز ۱۴۰۳ منتشر شده، مشخص می‌شود کتاب گران‌تر شده و تعداد عناوین کاهش پیدا کرده است. در گزارش امروز و با بررسی این آمار و مقایسه با مدت مشابه سال قبل، بررسی کردیم که این حوزه‌ها چند درصد افزایش یا کاهش داشته‌اند. آماري که اکثر آن منفی است و البته این منفی بودن سال‌هاست زنگ خطر را روشن کرده و کسی به آن بها نمی‌دهد!

آمار انتشار کتاب در آذرماه نکته جالبی دارد و همان طور که در جدول دیده می‌شود، در همه حوزه‌ها با علامت منفی یا همان کاهش روبه‌رویم. یعنی در همه حوزه‌ها تعداد عناوین کاهش داشته و در نتیجه آن، تعداد کتاب‌های منتشر شده به ۶ هزار و ۷۰۸ عنوان می‌رسد و در مقایسه با مدت زمان مشابه حدود ۳۴ درصد کاهش داشته است. از میان کتاب‌های منتشر شده در آذرماه، ۵ هزار و ۹۰ اثر تألیفی و هزار و ۶۱۸ اثر ترجمه بوده‌اند. شمارگان کل کتاب‌های منتشر شده نیز ۶ میلیون و ۵۱۴ هزار و ۴۵۴ نسخه بوده است. میانگین شمارگان کل، ۹۹۶ عنوان است که در مقایسه با سال ۱۴۰۲، دو درصد کاهش را شاهدیم. میانگین قیمت کتاب در آذرماه به ۲۱۲ هزار تومان رسیده که مقایسه این رقم با بازه زمانی مشابه در سال گذشته افزایش ۳۲ درصدی را نشان می‌دهد.



«باغ کیانوش» در سینمای فعلی می‌تواند نویدبخش آغاز جریانی باشد که نوجوانان دیروز برای نوجوانان امروز خواهند ساخت و کورسوی کنونی را فروزان‌تر خواهند نمود.



تیک تاک در آستانه فیلتر؛

آزمون حکمرانی آمریکا برای ما؟

سیدعلی علوی

یکشنبه، موعد تصمیم‌گیری نهایی برای تیک تاک در آمریکا است. این پلتفرم تا امروز فرصت داشت که به یک شرکت یا سرمایه‌دار آمریکایی فروخته شود. حالا با گذشت این مهلت، دو سناریوی اصلی پیش روی این ماجراست:

۱. حالت اول: فیلتر شدن تیک تاک
در این سناریو، آمریکا با حکمرانی قاطع خود کاری خواهد کرد که خود تیک تاک دسترسی کاربران آمریکایی را مسدود کند. اگر این اتفاق نیفتد، احتمالاً تیک تاک تحریم شده و از اپ استور اپل و گوگل پلی حذف خواهد شد، نه فقط برای آمریکا، بلکه در سراسر جهان. در صورت ادامه فعالیت از طریق نسخه‌های قابل دانلود از بازارهای دیگر، آمریکا احتمالاً قوانینی برای حذف این برنامه از دستگاه‌های کاربران وضع کرده و حتی محدودیت‌های سخت‌گیرانه‌ای برای فیلتر شدن‌های غیرقانونی اعمال می‌کند.

۲. حالت دوم: تصمیم غیرمنتظره ترامپ
ترامپ ممکن است با هدف حفظ رضایت ۱۷۰ میلیون کاربر آمریکایی، مانع فیلتر شدن تیک تاک شود و به‌جای آن از چین امتیازات مالیاتی یا اقتصادی دریافت کند.

این ماجرا نشان خواهد داد که مدل حکمرانی آمریکا در فضای مجازی کاملاً مبتنی بر قدرت است و با مدل تصمیم‌گیری ما در این حوزه تفاوت دارد. ابزارهایی که الان این قدرت آمریکا را زیاد می‌کنند، شامل دو سیستم‌عامل اصلی موبایل (Android و iOS) و بازارهای اپلیکیشن آن‌هاست، که در کنار تحریم‌ها، به اهرم‌هایی استراتژیک تبدیل شده‌اند.

تحریم به‌تنهایی همیشه کارساز نیست؛ هوای با وجود تحریم‌ها توانست زنده بماند و رشد کند، اما سلطه بر سیستم‌عامل‌ها و بازارهای برنامه، ابزاری است که قدرت حاکمیت آمریکا را به شکل بی‌سابقه‌ای تقویت کرده و امکان اعمال سیاست‌هایش در فضای مجازی را تضمین می‌کند.

اوضاع پیچیده تیک تاک

در آستانه تحلیف ترامپ

شرکت ByteDance در فرصت ۹ ماهه با سرپیچی از اجرای قانون، تیک تاک را واگذار نکرد و با تعطیلی دفتر خونه‌ها تعطیلند) و پایان مهلت، از دوشنبه همزمان با تحلیف ترامپ، این دعوا وارد فاز جدیدی می‌شود.

حالا چه اتفاقی می‌افتد؟
اول: دسترسی به تیک تاک (حتی با اجرای قانون) در آمریکا برای شهروندان ممنوع یا مسدود نمی‌شود اما اپ استورها (گوگل پلی، اپل استور و...) باید آنرا از روی سایت خود حذف کنند و از این طریق کاربران امکان به روزرسانی را از دست می‌دهند.

حتی ممکن است اپ استورها روز یکشنبه (قبل از تمدید احتمالی فرصت توسط ترامپ در دوشنبه) برای پیشگیری از تبعات قضایی آنرا حذف کنند.

دوم: با اجرای قانون، دیتا سنتر آمریکایی اوراکل اجازه میزبانی داده‌های کاربران آمریکایی تیک تاک را ندارد. این هم یک وضعیت عجیب با تبعات غیر قابل پیش بینی است. کارشناسان می‌گویند این استدلال می‌تواند علاوه بر آنکه به معنای امکان تعطیلی تیک تاک در خاک آمریکا باشد، بر خلاف هدف این قانون رسماً باعث انتقال داده‌های فعلی کاربران آمریکایی به چین شود (قبلاً برای هند همین اتفاق افتاد).

سوم: طبق برخی گزارشها ممکن است خود تیک تاک از فرادا ارائه سرویس به کاربران آمریکایی را متوقف کند. با توجه به ۱۷۰ میلیون کاربر آمریکایی و هزاران شغل بر بستر آن، یک فشار روی دولت آمریکا خواهد بود.

چهارم: احتمالاً ترامپ طبق اختیارات قانونی، برای یک دوره موقت ۶۰ یا ۹۰ روزه اجرای قانون را به تعویق می‌اندازد تا با تیک تاک مذاکره کند.

پنجم: با توجه به تعداد بالای کاربران در آمریکا، ترامپ علاقه دارد خود را به عنوان منجی و حل کننده مساله از طریق مذاکره نشان دهد. حال اینکه مذاکره منجر به فروش آن به یک شرکت آمریکایی شود یا توقف کامل اجرای قانون با دستور اجرایی رییس جمهور، مشخص نیست. بده بستان با چین در کنار مذاکره درباره بقیه مسائل مثل تعرفه‌های گمرکی نقش مهمی دارد.

آیا این کشمکش ۵ ساله سرانجام به پایان می‌رسد یا باز هم با اتفاقی جدید کش پیدا می‌کند؟

ضرورت برگزاری آموزش همگانی مبتنی بر عدالت اجتماعی در حوزه هوش مصنوعی

مسعود کاویانی



دکتر مسعود کاویانی، مدرس دانشگاه و از فعالان ارشد حوزه هوش مصنوعی و دانشمند حوزه فناوری اطلاعات در شبکه‌های نمایش خانگی با حضور در برنامه «گفتگوی فرهنگی» با موضوع نسل بتا، زیست در دنیای هوش مصنوعی، مخاطرات و مزایا بیان داشت: بر آموزش هوش مصنوعی، اختلاف طبقاتی و شکاف اطلاعات دیجیتال که بین افرادی که دسترسی به هوش مصنوعی دارند و هوش مصنوعی را بلد هستند با آنهایی که بلد نیستند کم شود.

وی با تأکید بر لزوم آموزش هوش مصنوعی بیان داشت: اگر مزایا و معایب استفاده از هوش مصنوعی ارائه شوند می‌توان از آسیب‌های آن جلوگیری کرد.

کاویانی تصریح کرد: افرادی که به ابزارهای هوش مصنوعی دسترسی دارند سرعت رشد آن‌ها نسبت به آنهایی که دسترسی ندارند بالا می‌رود و با توسعه هوش مصنوعی، شکاف طبقاتی در جامعه زیاد می‌شود.

این مدرس دانشگاه اظهار داشت: سرعت در دوران استفاده از هوش مصنوعی بسیار زیاد است و نمی‌توان آرام آرام فرهنگ‌سازی کرد و باید نظام و سیستم آموزشی، والدین و همه دست‌اندرکارانی که می‌خواهند نسل جدید با خطرات هوش مصنوعی مواجه نشود خود را سریع با نسل جدید تطبیق دهند.

وی اذعان داشت: مراقبت از انزوای نسل جدید و خلایق دو مسئله‌ای است که متخصصین فرهنگ هوش مصنوعی همواره آن را مطرح می‌کنند و بایستی با آموزش و افزایش مهارت از این آسیب‌ها جلوگیری شود.

عدالت اجتماعی و دسترسی به فرصت‌های برابری از مزایای هوش مصنوعی

دکتر محمدحسین روزبهانی، کارشناس حوزه هوش مصنوعی و استادیار عضو هیئت‌علمی دانشکده دانشگاه فناوری‌های نوین دانشگاه علم و صنعت و بنیان‌گذار متاورس نیز در مورد تأثیر هوش مصنوعی بر ساحت‌های زیست بیان داشت: بخشی از هوش مصنوعی برای توسعه‌دهندگان آن هنوز ناشناخته است؛ ولی در بخش‌هایی نیز افق‌های بسیار روشنی مبتنی بر هوش مصنوعی برای زندگی انسان شکل گرفته است.

وی عدالت اجتماعی و دسترسی به فرصت‌های برابری یا دسترسی به منابع محدود برای همگان را نقاط قوت و مزایای هوش مصنوعی عنوان کرد.

روزبهانی در ادامه با اشاره به حدیث حضرت علی (ع) که فرمودند فرزندان خود را برای زمان خودشان تربیت کنید بیان داشت: نسل بتا دیدی که ما نسبت به هوش مصنوعی

داریم را نخواهند داشت و نگرانی‌های امروز ما از نگاه نسل بتا ادراک نمی‌شود.

وی ادامه داد: به‌عنوان فعال هوش مصنوعی اعتقاد دارم برای جلوگیری از عقب‌افتادگی کشور بایستی جامعه هر چه سریع‌تر به حوزه هوش مصنوعی ورود و رشد کند.

این کارشناس حوزه هوش مصنوعی تصریح کرد: تغییراتی که اکنون هوش مصنوعی به وجود می‌آورد در واقع مانند این است که انسان از یک الگوی زیستی چنددهه‌زاساله به یک‌دنیای جدید سفر می‌کند؛ لذا برای این سفر باید یک سری نگرانی‌ها را برطرف و تکلیف مسائل حل نشده قبلی را با ساحت فناوری تمیز دهیم که به طور مثال یکی از مسائل حل نشده قبلی عدم تعیین تکلیف نظام تربیتی در نظام آموزشی است که می‌توان از هوش مصنوعی برای حل این مسائل استفاده کرد.

وی تصریح کرد: امروز باهوش مصنوعی می‌توان نظام آموزشی تربیتی که پیاده‌سازی آن در گذشته هزینه‌های بسیار برمی‌داشت را باهوش مصنوعی حل کرد.

روزبهانی در ادامه با اشاره به اینکه انسان‌های نسل بتا در تصمیم‌گیری همه شبیه هم می‌شوند، چون همه از هوش مصنوعی استفاده می‌کنند و همه هوش مصنوعی‌ها تلاش می‌کنند یک نوع از آرمان را در تصمیمات برآورده کنند بیان داشت: نسل بتا دوقلو دیجیتال خود را دارد و به آن تفویض اختیار می‌کند که در زمان خواب برای او در بازار بورس فعالیت کند و در جلسات مجازی شرکت نماید و با چهره او به سؤالات پاسخ دهد

کارشناس حوزه هوش مصنوعی با بیان اینکه امروز جهان به دنیای قبل از هوش مصنوعی به دنیای بعد از هوش مصنوعی تقسیم می‌شود اظهار داشت: یکی از مشکلات نسل بتا عدم متجانس بودن هویت جسمی و جنسی آنها با هویت فرضی است که در آواتارها و دنیای متاورسی انتخاب کرده است.

تیک و تاک و درسی برای مسئولین جمهوری اسلامی

محسن مهدیان



در پلتفرم‌ها انتشار اشتباه پراکنی است. فرق اشتباه و دروغ در نیت منتشر کننده است. دروغ با مکر تولید می‌شود اما اشتباه تنها یک روایت و برداشت است. اما ماجرا کجا نگران کننده و ویرانگر می‌شود؟ وقتی یک اشتباه لایک می‌گیرد و به اشتراک گذاشته می‌شود، وقتی یک اشتباه منشا تولید اشتباهات دیگر می‌شود، و در نهایت وقتی الگوریتم‌های فنی و حقوقی پلتفرم‌ها و شبکه‌های دشمنی نیز وارد این چرخه ویروسی می‌شود. اینجاست که یک اشتباه تبدیل به تلقی مسلط اجتماع می‌شود. اگر انتشار اخبار جعلی موجب نگرانی امنیتی می‌شود، انتشار اشتباهات اجتماعی ده‌ها برابر باید نگرانی فرهنگی بسازد که متأسفانه نمی‌سازد.

۵. این متن در دفاع از محدودیت نیست. به تعبیر دقیق‌تر محدودیت همه ماجرا نیست و یک ابزار تکمیلی در کنار دیگر اقدامات است. اما گام اول تلقی درست از شناخت پلتفرم و سهم آن در ساخت فرهنگ و تسلط ارزش‌ها و هنجارهاست. بی‌اعتنایی به سهم فرهنگ ساز پلتفرم‌ها ویرانی ساز است و چه بسا ابعاد آن بسیار فراتر از اقدامات ضدامنیتی است. این درسی است که باید از حکمرانی مجازی آمریکایی بگیریم.



ترامپ و آشوب در ایران!

محمد مهدی عمادی مقدم

مقدمه

روز ۲۲ دی‌ماه ۱۴۰۳، گروهک تروریستی منافقین همایشی را با عنوان «شورای ملی مقاومت» در پاریس برگزار کردند. مقامات مختلفی از چندین کشور اروپایی در این همایش شرکت کردند. با این حال، حضور ژنرال «کیت کلاگ» فرستاده‌ی ویژه‌ی ترامپ در امور اوکراین و روسیه در این گردهمایی از اهمیت خاصی برخوردار است. البته کلاگ پیش از این نیز در رویدادهای منافقین حاضر بوده و ارتباط او با این گروهک به حدی قوی است که چندین بار در محافل مرتبط با آن سخنرانی کرده است. ارتباطی که در شرایط فعلی حامل پیامی خاص از جانب آمریکاست. در ادامه به این پیام، پرداخته می‌شود.

همراهی با مسیبان ناآرامی در کشور

کیت کلاگ در این نشست از ضرورت بازگشت جهان به سیاست «فشار حداکثری» بر حکومت جمهوری اسلامی ایران سخن گفت و تصریح نمود علاوه بر «بیرونی نظامی» باید از فشار «اقتصادی و دیپلماتیک» نیز به این منظور استفاده کرد. وی همچنین افزود: فرصتی برای «تغییر ایران به سمت وضعیت بهتر» وجود دارد اما این فرصت همیشگی نیست. باید از ضعفی که اکنون (در حکومت ایران) می‌بینیم، استفاده کنیم؛ امیدهایی وجود دارد و بنابراین باید اقدام هم باشد.»

این اظهار نظر از سوی مقامی که منتسب به ترامپ است، نشان‌دهنده نگاهی است که در پس ذهن کابینه ترامپ نسبت به ایران وجود دارد. صحبت از افزایش فشارها بر ایران، آن هم بین گروهکی که سابقه‌ی بسیاری در ایجاد اغتشاش و آشوب در داخل کشور دارد، حاکی از آن است که «ترامپ و تیمش، ایجاد ناآرامی در داخل ایران را یک گزینه اجرایی و قابل سرمایه‌گذاری می‌دانند» و حتی حاضرند برای محقق ساختن آن، به لحاظ سیاسی، نظامی و دیپلماتی هزینه بدهند. لذا مسئولین کشور باید به این امر مستحضر باشند که حتی در شرایطی که بسیاری از تحلیل‌گران مطرح آمریکایی نظیر «ریچارد نفیو» و «ریچارد هاس» بر پیگیری دیپلماتی با ایران اصرار می‌ورزند، باز هم واشنگتن حاضر است از اجرایی شدن ایده‌ی براندازی در کشور از طریق حمایت از گروه‌های آشوبگر، پشتیبانی نماید. از این رو ساده‌انگاری رویکرد ترامپ و اعضای کابینه‌اش در قبال ایران و ساده دیدن آن در حد مذاکرات بین دو طرف، اشتباهی است که به ضرر منافع ملی کشور، تمام خواهد شد. لذا ضروریست که مقامات داخلی، شناخت دقیقی نسبت به ماهیت چندوجهی رویکرد آمریکا در قبال ایران داشته باشند؛ بدین معنا که در پس روحیه‌ی معامله‌گری شخص ترامپ و توهم فوریت مذاکره، گول ظاهر طرف مقابل را نخورده و از تلاش واشنگتن برای حمایت از ایده براندازی در داخل کشور غافل نشوند.

نتیجه‌گیری

اظهارات کیت کلاگ، نماینده نزدیک به ترامپ، نشان‌دهنده رویکرد سخت‌گیرانه و فشار حداکثری است که دولت آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران اتخاذ کرده است. این رویکرد نه تنها بر جنبه‌های نظامی بلکه بر ابعاد اقتصادی و دیپلماتیک نیز تأکید دارد و در کنار آن، به دنبال ایجاد ناآرامی و براندازی در داخل ایران از طریق حمایت از گروه‌های مخالف است. این مواضع باید برای مقامات داخلی ایران هشدار جدی باشد که علاوه بر پیگیری دیپلماتی، لازم است درک دقیقی از اهداف و برنامه‌های آمریکا داشته باشند. به خصوص باید از ساده‌انگاری در برابر مذاکرات و رویکردهای سطحی اجتناب کنند و با توجه به تجربه‌های گذشته، همواره آمادگی مقابله با تلاش‌های واشنگتن برای بی‌ثبات‌سازی داخل کشور باشند.

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: محمد جواد اهووی
زیر نظر شورای سردبیری

عکس: طه اهووی | گرافیک و صفحه آرا: سارا کولیوند
روابط عمومی: جهانگیر توسلی | ناظر هنری: محمدرضا مهدیانی
تلفن: ۰۲۱۸۱۰۵۲۰۱۸ - ۰۹۹۳۱۳۴۱۳۴ | آگهی‌ها: ۰۲۱۸۱۰۵۲۰۱۸
نشانی: بلوار کشاورز - خیابان عبدالته زاده - کوچه زیبا - پلاک ۴۴ - واحد ۵
چاپ: صمیم - ۴۴۵۸۲۱۴

FAZAMAJAZI
@ASREGANOON
@ASREGANOON



اطلاعات کودکان در مورد تاریخ و هنر موسیقی بسیار ضعیف است

متأسفانه بازی‌های رایانه‌ای و سرعت بالای اینترنت دامنگیر ما در حوزه آموزش شده و کودکان غرق اینترنت و فضای مجازی و بازی‌های رایانه‌ای شدند که هیچ آینده‌ای هم ندارد.

خواندن شعر در کلاس درس موسیقی علاوه بر تلطیف روح و روان هنرجویان، باعث درک و فهم بهتر هنرجویان از ریتم و ایجاد شور و شوق و ذوق بیشتر در آنها می‌شود.

1

1

کورسوی سینمای نوجوان

با اقتباسی آزاد طرفیم که ایده اصلی داستانی و پیرنگ را از زمان گرفته و آن را متناسب با اقتضات سینما و مخاطب امروزی، پرورش و گسترش داده‌است. گوشه‌ای از این ارتقا را می‌توان در نگاه هستی‌شناختی حاکم بر اثر دانست.

1

نمی‌دانم وظیفه‌ام چیست!

شیوانوروزی



سال آینده مشخص شود. با کوهپایه‌زاده، رئیس فدراسیون جانبازان صحبت کردم. به او گفتم باید یک جلسه با حضور انجمن والیبالیست‌ها، فدراسیون و کمیته پارالمپیک برگزار شود و چارت فعالیت‌ها و وظایف را مشخص کنیم و ببینیم می‌خواهیم چه کاری انجام دهیم. شرایط را می‌گویم و اگر به توافق رسیدیم، مخلص همه هم هستیم. نمی‌دانم چه کاری باید انجام دهیم. باید شرح وظایف را مشخص کنند و درخواست‌هایم را بپذیرند که حداقل یک درخواست؛ سفر تدارکاتی و امکانات است. چرا باید چهار مری در اردوی تیم ملی برای اعزام به پارالمپیک پاریس داشته باشیم و فقط یک مری اعزام شود، آن وقت تیم والیبالیست‌ها با ما هشت مری در مسابقات شرکت کند. جالب اینکه همان مربیان که در اردو بودند و در لیست اعزام قرار نگرفتند، مرا دشمن این مسئله اصلی می‌دانند. هنوز چیزی را قبول نکرده‌ام، چون هنوز صحبتی نشده که قبول کنم. مطمئن باشید که اگر بیایم ۴۰ درصد تیم ملی برای پارالمپیک بعدی دستخوش تغییر می‌شود.»

هادی رضایی قبول پست سرمربیگری تیم ملی والیبالیست‌ها در ایران در بازی‌های پارالمپیک لس‌آنجلس را تکذیب کرد. هفته گذشته بود که فدراسیون جانبازان و توان‌یابان اقدام به انتشار لیست کادرفنی تیم‌های مردان و زنان والیبالیست‌ها کردند. در این بین نه تنها کادرفنی تیم مردان در دو رویداد بازی‌های پارالمپیک ۲۰۲۶ و پارالمپیک ۲۰۲۸ از هم تفکیک شده‌اند، بلکه رضایی نیز به‌عنوان سرمربی تیم مردان در بازی‌های لس‌آنجلس انتخاب شده است. حال آنکه این سرمربی موفق از انتشار این خبر شوکه شده است. هادی رضایی در گفت‌وگو با تسنیم تأکید کرده به او پیشنهادی برای سرمربیگری داده نشده است: «شورای فنی تشکیل شد تا درباره تیم‌های ملی مردان و زنان و مدیر این تیم‌ها تصمیم‌گیری کند. این شورا جلسات مختلفی داشت و من هم نه به‌عنوان سرمربی تیم ملی، بلکه به‌عنوان یک کارشناس حضور داشتم و نظراتم را ارائه کردم. در این جلسات فنی فقط نام یک نفر به‌عنوان نامزد تیم ملی «الف» مطرح بود که من بودم. البته بنا بود برنامه‌هایی ارائه شود که چیزی ارائه نکردم. همچنین اسامی ۹ نفر برای تیم ملی «ب» و سه نفر برای تیم بانوان مطرح شد. بعد از یک جلسه پنج ساعته تصمیماتی گرفته شد و من هم در جریان کار نبودم. بعد از آن به یک‌باره دیدم برایم به‌عنوان سرمربی تیم «الف» و همچنین مشاور تیم بانوان ابلاغ زده‌اند. قرار بود اگر کاری را به کسی واگذار می‌کنیم یا به برنامه آن اعتماد داشته باشیم یا خواسته‌هایم را انجام دهیم. یکی از اعتراضات من نیز همین بوده که باید خواسته‌هایم را به فدراسیون بگویم و اگر خواسته‌هایم مورد قبول واقع شد، ابلاغ صادر شود.»

رضایی از روشن نبودن شرح وظایف در تیم‌های ملی گلایه کرد: «به نظرم باید شرح وظایف تیم‌ها و برنامه آنها در چهار

برای بردن استقلال، پرسپولیس و سپاهان تمرین نمی‌کنیم



روانخواه، سرمربی هوادار: از همان بازی‌های پایانی نیم فصل اول تیم مان را آماده کردیم تا بتوانیم به برد برسیم. هم ما و هم باشگاه خیبر می‌دانیم در نیم فصل دوم به بردهای قابل توجهی نیاز داریم و باید چهار برابر نیم فصل اول برد کسب کنیم تا در لیگ بمانیم. برای بردن تیم‌های استقلال، پرسپولیس و سپاهان تمرین نمی‌کنیم و برای بردن تیم‌هایی که می‌توانیم با آن‌ها رقابت کنیم، تمرین می‌کنیم و تیم‌مان را هم بر این اساس سازماندهی کرده‌ایم.

فکر می‌کنم با انرژی و افکار مثبت بتوانیم کاری کنیم که در زمین به سودمان باشد. به نظرم بعد از یک نتیجه مثبت، شرایط بهتری را در ادامه لیگ پیدا خواهد کرد.

صعود شکیباه جمع ۸ بازیکن برتر استار کانتندر تونس



فراز شکیباه، پینگ‌پنگ‌باز جوان کشورمان، موفق شد به جمع ۸ بازیکن برتر مسابقات استار کانتندر تونس راه یابد. شکیباه در مرحله یک‌هشتم نهایی حریف انگلیسی خود، کاسپر پیووار، را با نتیجه نزدیک ۳ بر ۱ شکست داد و به مرحله یک‌چهارم نهایی صعود کرد.

ملی پوش نوجوان پینگ‌پنگ ایران عصر امروز در مرحله بعدی باید به مصاف برنده دیدار فرانسیسکو از ایتالیا و اسید از تونس برود.

مسابقات استار کانتندر جوانان تونس از ۲۸ تا ۳۰ دی‌ماه با حضور برترین بازیکنان جوان تنیس روی میز دنیا برگزار می‌شود و شکیباه در تلاش است تا با ادامه این روند موفقیت‌آمیز به مراحل پایانی این رقابت‌ها راه یابد.

گمشده در تاریخ و آمار

فریدون حسن



بودن و پیشرفت داشته باشی. نمی‌توانی دلخوش به نتایج سال‌های قبل باشی و تصور کنی می‌توانی با این دلخوشی پیشرفت کنی. این را ما نمی‌گوییم، این را بزرگانی نظیر گواردیولا می‌گویند. بزرگانی که حتی کارنامه پربارشان هم نمی‌تواند آنها را نجات دهد. آنها یاد گرفته‌اند که گذشته را باید فقط در موزه‌ها دید و با آن خاطره‌بازی کرد، اما در زمین مسابقه باید امروزی باشی، چون قرار نیست بابت افتخارات گذشته امتیازی بگیری.

مثال‌های دیگری هم می‌توان زد از جمله در خصوص تیم ملی و تیم‌های رده‌های فوتبال می‌توان مدعی بود که ایران زمانی با تیم امیدش بر آسیا آقای می‌کرد، درست هم هست، اما امروز همین تیم حتی مری هم ندارد. البته مهم نیست، مهم این است که ما روزگاری برترین تیم امید و جوانان آسیا بودیم و با همین خوشیم.

واقعیت این است که آمار و ارقام موجود برای توسعه بیشتر، برای فهمیدن ایرادهای کار و رفع و رجوع آنها، اما فوتبال ما دوست دارد در آمار و ارقام رؤیای بازی کند. اینکه ما چه بودیم، چه و سال‌ها با همین روند پیش برویم و هوادار فوتبال را هم با همین آمارها بازی دهیم. اما در مقابل این همه خیال‌پردازی ما، بقیه خوب یاد گرفته‌اند که فریب رنگینک و آمار و ارقام امروز را نخورند. خوب یاد گرفته‌اند که چطور کار کنند که آمار و ارقام آینده به سود آنها باشد و همیشه هم آن بالا بمانند، درست برخلاف ما که حتی در آمار و ارقام هم ثابت نداریم، ولی این هم مهم نیست.

مهم این است که ما گذشته‌ای پرافتخار داشته‌ایم، همین دلخوشی برایمان کافیست، اینکه امروز کجای فوتبال آسیا و جهان قرار داریم، اهمیتی ندارد.

فوتبال پویاست؛ نمی‌توانی در آن درجا بزنی و ادعای حرفه‌ای

پپ گواردیولا، سرمربی منچستر سیتی می‌گوید: «هوادار تیم پول بلیت می‌دهد تا به ورزشگاه بیاید و برد تیم با بازی خوب را ببیند، نه اینکه دلخوش به خاطرات قبلی تیمش شود.»

حالا این اظهارنظر را بگذارید در کنار بازی با آمار و ارقام در فوتبال ایران. اینکه ما سال‌هاست معطل رنگینک فیفا هستیم و آقایان فدراسیون‌نشین هم سال‌هاست که دلخوش به این رتبه‌بندی خیالی و متغیر به خودشان ستاره می‌دهند. اینکه باشگاه‌های فوتبال ایران هنوز در دهه‌های گذشته سیر می‌کنند و دلخوش هستند به اینکه روزگاری مثلاً آقای می‌کردند. اینکه دلخوش هستند به قهرمانی‌های سال‌های قبل و هواداران‌شان را دائماً متوجه آن موفقیت‌ها می‌کنند.

فوتبال ایران انگار در زمان گم شده و نمی‌خواهد پیدا شود. اصلاً انگار دوست دارد در همان سال‌های قبل و سال‌های دور بماند، به هر حال خاطره‌بازی قشنگ است و هزینه‌ای هم ندارد. مثلاً پرسپولیس را نگاه کنید؛ امروز با انبوهی از مشکلات دست به گریبان است، اما یک آمار منتشر می‌کند که براساس آن پرافتخارترین تیم لیگ برتر و سوپر جام است که البته هست، ولی امروز چه؟

استقلال هنوز در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ مانده و هنوز خودش را قهرمان آسیا می‌داند که بوده، ولی امروز چه؟

قبل برای خودش پرسه بزند و خاطره‌بازی کند. فوتبالی که با کسب هر موفقیت و پیروزی انگشت‌شمار سال‌ها عقب‌گرد می‌کند، چون خاطره تازهای برای رؤیای بازی می‌یابد.

این اصلی‌ترین گمشده فوتبال ایران است، فوتبالی که در تاریخ خود گم‌شده و انگار نمی‌خواهد پیدا شود. فوتبالی که برای سال ۱۴۱۴ برنامه‌ریزی می‌کند، اما هنوز هم دوست دارد در دهه‌های

دلسوز و خیرخواه خانواده و خویشان خود باشید

که یکی از دلایل بهشت رفتن است.

(سوره طور، آیه ۴۵ و ۴۶)

